IL GÜN

ایل گـــون

No. 19 September 2001 سال پنجم ـ شماره ۱۹ شهریور ۱۳۸۰

Garaşsyz türkmen neşriyesi نشریه مستقل ترکمن

فهرست مطالب :

فاجعهٔ سیل در ترکمنصحرا	۳
انتخابات، اصلاح طلبان و مسئلهٔ ملی	٦
ترکمن ها در عصر امپریالیسم	۱۰
مطالبات قومی ـ ملی و جنبش اصلاح طلبی در ایران	۱۳
شهرسازی بدون هزینه	۱۷
مصاحبه با آقای کریمی از حزب دمکرات کردستان ایران	۲۰
اخبـــــــار	۲۳

www.iran-archive.com

دوست عزیز آتیلا !

خبر جانگداز از دست دادن
پدر بزرگوارتان مهندس عمادی
را دریافت کردیم .
برای شما و بازماندگان آن
مرحوم که عمری به سرافرازی
زیست ، طول عمر و سعادت
آرزو داریم . ما خود را در
غم شما شریک می دانیم .

هیئت تحریریهٔ نشریهٔ ایل گون

عکس روی جلد: برگرفته از "ترکمن های ایران" نصرالله کسرائیان/زیبا عرشی

Gadyrly dost we ildeşimiz Atila!

Dädeň mähändes Emadi aramyzdan Çykdy diýen gynanç habary bize gelip ýetişdi!
Size we ol merhumyň galanlaryna sabyr, uzak ömür arzuw edýäris.
Ýatan ýeri ýagty bolsun!
Yzy ýarasyn!

IL GÜN redaktioni

فاجعه سیل در ترکمنصحرا

هنوز پاسی از نیمه شب نگذشته بود که صدای بلند گونی در شهر مردم کلاله را بیدار می کرد و هشدار می داد که سیل خانمان براندازی در راه است و مردم خود را نجات دهند. این شهرستان با جمعیت ۱۴۰ هزار نفری دچار سرنوشتی تلخ می شد.

این زمانی بود که سیل پل ۴۵ متری ورودی شهر معروف به پل کوسه را که وسیلهٔ ارتباطی ۶۰ روستای دیگر نیز بود با خود نبرده بود. مردم سراسیمه و وحشت زده به تکاپو افتاده بودند. عمق فاجعه هنوز برای هیچیک از آنها روشن نبود. همه در فکر این بودند که اینهم مثل سیل سالهای پیش خواهد بود و اگر ابعاد سیل بزرگ باشد حتماً از طریق رسانه های گروهی و یا مقامات روز قبل اعلام می شد. اعلام خطر روستاهای سیل زده همزمان با ورود سیل به روستاهایشان انجام گرفت و در برخی از روستاها بدلیل قطع هر گونه ارتباط، سیل همچون مار سیاه و دهشتناکی خانه ها را می بلعید. راهها ویران شده بودند پل ها را سیل با خود برده بود و تماس تلفنی برقرار نمی شد. آب، گاز و برق قطع شده بود و واحد های مسکونی در روستاها همان دقایق اولیه ویران شدند. همه فقط در فکر حفظ جان خود بودند.

برای مردم کلاله و روستاهای اطراف سیل کابوسی وحشتناک و باور آن دشوار بود. خبر سیل اما به سرعت جریان برق آسانی در سراسر ترکمنصحرا پیچیده بود. مردم از نقاط دور ترکمنصحرا به کمک می شتافتند.

فاجعهٔ ویرانی ۱۲ ساعت طول کشید. در این دوازده ساعت بیشتر از دو هزار و پانصد واحد مسکونی با تمامی وسائل زندگی ویران و بیش از ده هزار حیوان تلف و بیشتر از ۲۰۰ نفر جان خود را از دست داده و بیشتر از همین رقم نیز مفقود شده بودند که مفقودین برای همیشه در میان تنه های درختان بزرگ و لاشه های حیوانات و یا در عمق گل و لای و لجن رد گم کرده بودند. در ترکمنصحرا و در منطقه سه روز رسماً عزای عمومی اعلام شد. ماهیگیران و صیادان ترکمن با قایق های موتوری خود به کمک مردم سیل زده آمده بودند. روستاهای ترکمن نشین به کمک مسافرینی می شتافتند که در میان سیل گرفتارآمده بودند.

مردم بیشتر از هرزمان دیگر به هم نزدیک شده بودند و به هم یاری می رساندند.

آمار و ارقام تلفاتی که از رادیو و تلویزیون کشور اعلام می شد با گفته ها و دیده های شاهدان عینی همسانی نداشتند. با ویرانی پل ۴۵ متری کلاله شاهدان می گفتند که صدها نفر با این پل در گراداب آب ها فرو رفته و تلف شدند.

در محورهای ارتباطی مراوه دپه به کلاله، کلاله به گنبد و گالیکش، کلاله به استان خراسان نیز پل ها تخریب شده بودند و مردم به محاصرهٔ سیل درآمده بودند.

مقامات دولتی و رسمی کشور با تبلیغات و شعار برای نجات قربانیان و کمک به بازماندگان بی اطلاعی و سهل انگاری خود را در رابطه با سیل پنهان می کردند. اگر ابعاد چنین سیلی پیش بینی شده بود، اگر روستانیان پیش از وقوع سیل محل زندگی خود را ترک کرده بودند، اگر ورود به جنگل گلستان ممنوع شده بود و اگر پلیس راه که همیشه برای کنترل مواد مخدر همهٔ ماشین ها را کنترل می کرد مانع ورود ماشین های شخصی و اتوبوس ها به طرف سیل می شدند، بی شك تلفات کمتر از این بود.

حال که عمق فاجعه آشکار شده، مقامات احساسات مردم را جریحه دار می کنند و خود را ناجی نشان میدهند. بسیاری از مردم خواستار برکناری و محاکمهٔ مسئولین ذیصلاح هستند.

مقامات استان گلستان اعلام کردند که آنها از عهدهٔ برطرف کردن خسارت بر نمی آیند و حجم خسارات از عهدهٔ این استان خارج است و پس از ۸ روز از ارتش و نیروی دریائی کشور کمك خواستند. از مرکز مسئولین کمیتهٔ امام، رئیس هلال احمر به منطقه آمدند. مسئول هلال احمر فکر می کرد که سیل در استان گیلان رخ داده است و حتی پس از دیدارش از مناطق سیل زده در مصاحبه اش با سیمای جمهوری اسلامی ایران بجای "استان گلستان" از استان گیلان یاد می کرد. ارگان های محلی و مرکزی کارشان را آغاز کرده بودند و ستادهای ثابت و سیار تشکیل شده بود. بیشتر کار به جمع آوری اجساد انسان ها و لاشه های حیوانات اختصاص یافته بود. برخی ها می گفتند که این نوشداروی بعد از مرگ سهراب است.

www.iranarchive.com

اعتراضات مردم بخصوص زمانی آغاز شد که مسئولین محلی پس از هشت روز دست به دامان کمك های مرکز شدند. خانواده های مفقودین هنگامی که شنیدند جستجو در پشت سد گلستان آغاز شده به آنجا سرازیر شدند. و با نزدیکی قایق های گشتی بسیجی ها روی آب پشت سد گلستان مردم هجوم می آوردند تا اجساد را شناسائی کنند.

نمایندگان چند سازمان بین المللی از جمله یك اکیپ از فدراسیون جهانی صلیب سرخ، برنامهٔ عمران سازمان ملل متحد و همچنین کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان نیز از منطقهٔ سیل زده بازدید کردند. طبق آمار این کمیساریا در حدود ۵۰ هزار پناهنده از کشور افغانستان در منطقه زندگی می کنند. طبق آمار سازمان ملل متحد ابعاد خسارات پس از هشتمین روز سیل تاکنون بیش از ۷۸ میلیون دلار برآورد شده بود. بر اساس گزارشهای منتشره سیل اخیر طی ۲۰۰ سال گذشته در آن منطقه بی سابقه بوده است.

علیرغم تبلیغات سازماندهی برای امداد و کمك رسانی به سیل زدگان مردم در چادرها خالی از بی آبی و عدم دسترسی به مواد غذائی رنج می برند. فرماندار شهرستان کلاله رسماً خواستار اقدامات جدی شد و مشکل اصلی این شهرستان و روستاهای اطراف آن را کمبود خواربار و وسائل زندگی اعلام کرده بود.

در این بین شایعه ای نیز واقعیت پیدا می کرد. با ادامهٔ بارندگی سد گلستان ظرفیت حفاظتی از آب جمع شده را از دست می داد و امکان تخریب سد در شهر گنبد پیچیده بود. این سد در ۱۵ کیلومتری شهر گنبد قرار دارد و دو سال پیش با ظرفیت آبگیری ۹۰ میلیون متر مکعب تاسیس شد. اگر این سد نبود بخش های پائین دست نیز دچار خسارات غیر قابل تصور جانی و مالی می شد. از مردم روستاهای اطراف و همچنین از شرکت ها و افرادی که در آنجا به پرورش ماهی مشغول بودند، خواسته شده بود که محل زندگی خود را ترك کنند.

منطقهٔ پشت سد سریعاً سمپاشی شد تا مانع بروز بیماری شود. برای کاهش آب مازاد سد نیز دریچه های سد باز شد و آب اضافی از طریق رود گرگان به طرف سد وشمگیر سرازیر گردید. خطر همراهی اجساد مفقودین با این آب باعث شد که انتشار خبر آن دیگر ادامه نیابد.

پس از سیل کار پاکسازی ۲۰ هکتار چوب و خار و خاشاك از پشت سد آغاز شد و مرتباً اعلام می شد که این کار سرعت مطلوبی ندارد و پاکسازی به زمان نسبتاً طولانی نیاز دارد. سیلاب دیگری نیز در ترکمنصحرا به وقوع پیوست که خوشبختانه حال و هوای خطر وقوع دوبارهٔ سیل باعث شد که اینبار به موقع عکس العمل نشان داده شود و جلوی ویرانی و نابودی گرفته شود. سیلابی از سوی جمهوری ترکمنستان توسط رودخانهٔ اترك در ترکمنصحرا جاری شد.

رودخانه اترك که یك رودخانهٔ مرزی است کشش این سیلاب را نداشت و در نتیجه داشلی برون را سیل می گرفت که خوشبختانه به موقع بخشی از این سیلاب به بیابان های اطراف سرازیر شد و خطر سیل برطرف شد. حجم آب وارد شده به بستر رودخانهٔ اترك ۲٤۰ تا ۲۵۰ میلیون متر مکعب برآورد شده است. آب رودخانهٔ اترك هم اکنون به دریای خزر رسیده است.

در ضمن طبق گزارش های اعلام شده در جرگلان نیز سیل جاری شده است (منطقهٔ جرگلان منطقهٔ ترکمن نشین است که طبق تقسیمات اداری وزارت کشور هم از زمان حکومت شاه سابق و هم از زمان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به شهرستان بجنورد در استان خراسان واگذار شده است. این سیاست در نتیجهٔ تقسیم مناطق یکپارچهٔ ترکمن نشین برای از بین بردن و اضمحلال ترکمن ها انجام گرفته است) عید محمد ارجمند بخشدار جرگلان می گوید که راههای ارتباطی ٤۵ روستای تابع این بخش قطع شده است. بنا به گفتهٔ او بر اثر جریان سیل رودخانهٔ چندی و خرتوت واحدهای مسکونی و دامی بخصوص روستاهای "حصارچه" و "یکه سعود پائین" در محاصرهٔ سیل قرار گرفتند. راه ارتباطی اصلی بخش راز و جرگلان در تنگهٔ ترکمن نیز مسدود شده و خسارات عمده ای نیز به زمین های کشاورزی تنگهٔ ترکمن، زرنه، اماملی وارد شده و خوشبختانه تاکنون از تلفات انسانی گزارش نشده است. پس از سیل همه در تکاپو بودند که علت آن را پیدا

www.iran-archive.com

کنند. یك عضو هیات علمی گروه جغرافیا دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی (واقع در تهران) که محقق و اقلیم شناس است ، تخریب گسترده پوشش گیاهی بویژه در مناطق جنگلی را یکی از عوامل جاری شدن سیل اخیر دانست. وی گفت که علیرغم حرف های زیادی که دربارهٔ حفظ جنگل در ایران زده می شود جنگل ها در کشور به سرعت در حال تخریب است و قاچاقچیان چوب اقدام به بهره برداری از این جنگل ها می کنند. وی بارندگی های غیر معمول مردادماه که ناشی از نوسان آب و هوائی در کشور است را از عوامل عمدهٔ دیگر دانست. وی همچنین گفت که سیل اخیر هشداری است به مسئولین تا قبل از وقوع سیل برای مهار آن برنامه ریزی کنند و نه اینکه بعد از وقوع به دنبال برنامه ریزی باشند.

قائم مقام سازمان جنگل ها و مراتع ایران اعلام تخریب منابع طبیعی بعنوان عامل عمده وقوع سیل دانستن را نادرست خواند. وی علت بروز سیل را بارندگی زیاد دانست. بنا به گفتهٔ وی بارندگی ٤ برابر افزایش داشته است. وی گفت که این واقعه یك بلای آسمانی است. آقای صمدی قائم مقام سازمان جنگل ها و مراتع ایران می گوید : در شرایط خاص سیل هائی مثل سیل اخیر یا سیل نکا ، با قاطعیت نمی توان گفت که اگر همه عوامل به صورت صحیح در کنار هم قرار داشتند، سیلی راه نمی افتاد و صحیحتر این است که بگوئیم از شدت تخریب آن کاسته می شد. و برای تحقق این امر و کاستن از آثار مخرب سیلها و استفاده درست از آبی که نعمت خداست، بایستی با عملیات بیولوژیك، و مکانیکی در مناطق بالادست نسبت به ایجاد پوشش گیاهی مناسب با توجه به مرتعی یا جنگلی بودن منطقه اقدام شود.

آمار و ارقام خسارات سیل

کل خسارات مالی : بیش از ۵۰۰ میلیارد ریال

قربانیان : بیش از ۲۱۲ نفر

مفقودین : رسما بیش از ۲۵۲ نفر

نابودی امکانات شغلی : بیش از دو هزار امکان، تخریب واحد مسکونی و تجاری با وسائل زندگی بیش از دو هزار و ۲۰۰ واحد طبق آمار رسمی

زمین های کشاورزی: بیش از ۱۸ هزار هکتار آسیب رسیده که از این مقدار بیش از ۳هزار هکتار برای همیشه غیر قابل استفاده شده و این زمینها تنها ممر درآمد خانواده های روستائی است.

پیام همدردی

بنا به اخبار رسیده با جاری شدن سیلی ویرانگر در ترکمنصحرا، بسیاری از شهرها و روستاها در مسیر سیل به خرابی کشانده شدند.

دامنه و وسعت سیل به حدی بود که نظیر آن در ۲۰۰ سال اخیر دیده نشده بود.

بنا به گزارش رسانه های گروهی جمهوری اسلامی این سیل بیش از ۲۰۰ نفر قربانی و ۲۲۰ مفقود الاثر و بیش از دو هزار و پانصد میلیارد ریال خسارت مالی از خود بر جای گذاشته است.

گرچه سیل و آتشفشان و زلزله از جمله بلایای طبیعی به شمار می روند ولی در کشورهای پیشرفته و متمدن، جانی که برای زندگی انسان ها ارزش قائلند، پیش بینی ها و پیشگیری های لازم در مقابل این چنین حوادث طبیعی انجام می شود. اما آنچه که معلوم است در کشورهائی نظیر ایران تنها چیزی که ارزش ندارد جان انسانهاست.

طبیعتا از بین بردن موانع طبیعی جلوگیری از جاری شدن سیل مانند از بین بردن جنگل ها و گیاهان رویشی نقشی جدی در شدت خرابی ها و تلفات جانی داشته است. پس از انقلاب در نتیجهٔ عدم مدیریت صحیح سطح وسیعی از جنگل ها و مراتع نابود شدند.

حکومت جمهوری اسلامی ایران موظف است که پیشگیری های لازم را در مقابل حوادث طبیعی نموده و جبران خسارات وارده را بنماید.

ما ضمن ابراز تاسف از این واقعهٔ دردناك، این فاجعه غم انگیز را به مردم ترکمنصحرا تسلیت گفته و با بازماندگان آنها اظهار همدردی می نمائیم.

- هیات تحریریهٔ نشریهٔ ایل گون

- هیات تحریریه نشریهٔ گنگش

- سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن

www.iran-archive.com

انتخابات، اصلاح طلبان و مسئله ملی

همانطور که پیش بینی میشد آقای خاتمی با اکثریت آراء بزرگی بر نمایندگان محافظه کار غلبه کرده و مجددا بعنوان رئیس جمهور ایران انتخاب گردید.

طبق آراء رسمی ارائه شده در مقابل ۲۲ میلیون رأیی که به آقای خاتمی داده شد ۱۵ میلیون نفر در انتخابات شرکت نکردند. با اینکه درصد رأی دهندگان نسبت به چهارسال قبل از ۸۲٪ به ٦۷٪ تقلیل یافته بود اما آراء خاتمی دو میلیون بیشتر از ٤ سال قبل بود.

این آمار و ارقام بیانگر نگرش های نوینی در جنبش مردم ایران است. پیروزی آقای خاتمی در این انتخابات امری مسلم بود و بدین خاطر مسئله اصلی این انتخابات فقط پیروزی اصلاح طلبان در مقابل محافظه کاران نبود، بلکه نشاندهنده چگونگی صف بندیهای اجتماعی در جامعه ایران بعد از چهارسال حاکمیت اصلاح طلبان در ایران بود.

در شرایط مشخص جامعه ایران محافظه کاران عمده ترین مانع بر سر راه تداوم و گسترش جنبش اصلاح طلبی هستند. آنها با در اختیار داشتن ارگانهای اصلی قدرت حاکمیت سیاسی مانند ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، قوه قضاییه، بسیار سازمان یافته، هر گونه قدرت مانور و تصمیم گیری ارگانهای انتخابی مانند مجلس و ریاست جمهوری را خنثی می کنند. آخرین نمونه آن درگیری بین مجلس و قوه قضاییه و شورای نگهبان بر سر انتخاب ۲ حقوقدان شورای نگهبان بود. از ۸ نفر حقوقدان مورد پیشنهاد قوه قضاییه فقط یك نفر مورد تأیید مجلس قرار گرفت. این درگیری قدرت با مداخله مجمع تشخیص مصلحت نظام و ولی فقیه با سلب اختیار مجلس جهت تأیید حقوقدانان خاتمه یافت. منبعد رأی نمایندگان مجلس نسبی خواهد بود، یعنی اینکه از بین نفرات معرفی شده ۲ نفر که بیشترین آراء را دارند، حتی اگر یك رأی هم باشد، بعنوان تأیید شده مجلس به شورای نگهبان خواهد رفت.

در انتخابات ریاست جمهوری راست گرایان نتوانستند بیش از ۱۵٪ آراء مردم را بدست آورند. آنها به نیکی می دانند که در بین توده های مردم پایگاهی ندارند و بدین خاطر نیز قید بدست آوردن آراء مردم را زده اند و به سختی به ارگانهای قدرت غیر انتخابی تکیه داده و در این راستا تمامی ارگانهای انتخابی مردم را نیز خلع سلاح نموده اند.

آقای خاتمی در مراسم تحلیف دور دوم ریاست جمهوری که به خاطر درگیری بین قوه قضاییه و مجلس با دو روز تاخیر برگزار شد، در سخنان خود همچنان بر دمکراسی دینی، مردمسالاری و از جمله بر آزادی مطبوعات تاکید نمود. ولی در همان روز قوه قضاییه با تعطیل روزنامه همبستگی، یکی از روزنامه های بازمانده اصلاح طلبان، جواب وی را داد.

همانطور که گفته شد، محافظه کاران مانع اصلی پیشرفت جنبش اصلاح طلبی مردم هستند. ولی رهبری جنبش اصلاح طلب در حاکمیت که ارگانهای انتخابی ریاست جمهوری و مجلس را در اختیار دارند جهت شکستن این موانع تا چه حد توانایی ذهنی و عملی دارد؟ این جنبه دیگر قضیه است.

بعد از ٤ سال حاکمیت اصلاح طلبان، هنوز هیچکدام از اهداف اعلام شده آنها از جمله لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان، حذف دادگاه ویژه روحانیت، آزادی مطبوعات و ... نتوانسته جامه عمل بپوشد. ولی در عوض خود آنها گام به گام قربانی این ارگانها گردیده اند.

آگاهی ذهنی و مطالبات سیاسی و اجتماعی توده های مردم در این مدت بسیار فراتر از توانایی های اصلاح طلبان حکومتی گردیده است.

با توجه به این شرایط کنونی آیا میتوان گفت که اصلاح طلبان حکومتی توانایی ذهنی و عملی برای رهبری این جنبش اصلاح طلبی را دارند؟ با توجه به عملکرد ٤ ساله دولت اصلاح طلب و با توجه به نمونه های آغازین دوره دوم ریاست جمهوری این توان اصلاح طلبان حکومتی زیر علامت سوال قرار میگیرد. ترکیب هیئت دولت پیشنهادی رئیس جمهور که

بقیه در صفحه بعد

www.iran-archive.com

انتخابات، ...

مورد تایید مجلس شورای اسلامی نیز قرار گرفت، در اساس همان ترکیب قبلی است که عدم توانایی خود را در اداره امور حکومتی نشان داده، نشان از همان است که گفته شد.

اکنون صحبت از نیروی سومی است که روز به روز نیرو و توان بیشتری می یابد. هرچند که محافظه کاران قدرتمند تلاش بر نابودی آنها داشته و تئوری "نقطه صفر" را برای آنها در نظر داشتند و در این راستا نیروهای بسیاری از آنها را زندانی و سرکوب نمودند، اما این نیرو در میان جوانان و بخصوص دانشجویان و دیگر نیروهای روشنفکر و آگاه جامعه ایران روز به روز گسترش می یابد. به همان میزان که عدم توانایی اصلاح طلبان حکومتی در اقدامات عملی جهت دمکراتیزه کردن جامعه و در مقابله با محافظه کاران نمایانتر میگردد بر میزان نفوذ و محبوبیت نیروی سوم افزوده میگردد.

***

در ترکمن صحرا انتخابات ریاست جمهوری با شرکت گسترده مردم ترکمن همراه بود. مردم به آقای خاتمی که تنها کاندید اصلاح طلبان بود، رأی دادند.

آقای خاتمی در بندر ترکمن ۹٤\۳۷ درصد از کل آراء را به خود اختصاص داد. شهرستان بندرترکمن بنا به گفته معاون استاندار گلستان، در جلسه شورای اداری شهرستان آق قلا، بالاترین درصد بیکاری را دارد. در آق الا ۹۱\٦۱ درصد، درکلاله ۸۸\۰۸ درصد، در داشلی برون ۹۲\۷۲ درصد و در کنبدکاوس ۸۲\٥٤ درصد از آراء داده شده به آقای خاتمی بوده است. در دیگر مناطق ملی ایران نیز درصد آراء آقای خاتمی بالا بوده است. این در حالی است که آقای خاتمی در زادگاه خود، در اردکان، ۸۱٪ رأی آورده است.

تحلیل آقای حجاریان از این درصد بالای آراء آقای خاتمی در مناطق ملی، در روزنامه توسعه شنبه ۸۰\۲\۲٥ ، جالب است. وی می گوید:"در مناطق محیطی کشور رأی آقای خاتمی از مرکز بیشتر بود ... از نظر جامعه شناسی خوب است. چون مناطق اقلیت نشین احساس هویت می کنند. مردم احساس می کنند که به بازی گرفته می شوند. شرایط انسدادی مضاعفی که قبلا برای آنها بوده از بین رفته است و گرایش به مرکز در این ها وجود دارد." این که آقای حجاریان می گوید مناطق ملی احساس هویت می کنند درست است. مناطق ملی در ٥۰ سال حاکمیت پهلوی و ۲۲ سال حکومت جمهوری اسلامی تحت شدیدترین فشارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهت نابودی هویت ملی قرار داشته اند. اکنون تلاشهای گسترده ای در میان مردم برای بازیابی هویت خود و احقاق حقوق جریان دارد که در حال حاضر بنا به مجموعه اوضاع بهبودی شرایط خود را در حمایت از اصلاح طلبان می بینند . این نیرو یك پتانسیل عظیم اجتماعی است که نمیتوان پیش بینی کرد که با این روند کنونی همچنان طرفدار آقای خاتمی و اصلاح طلبان بماند.

اما اینکه آقای حجاریان میگوید که "شرایط انسداد مضاعفی که قبلا برای آنها بوده و از بین رفته" نظری بسیار بدور از واقعیت های اجتماعی است. مردم در مناطق ملی نه تنها به بازی گرفته نشده اند بلکه حتی ستم های ملی گسترش نیز یافته است. علاوه بر ستم مضاعف زمان شاه، ستم مذهبی نیز بر آنها روا میگردد. برخی ملیت ها از جمله ترکمن ها هنوز از دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی غیرقابل اعتماد هستند. اخیرا بعد از سالها فعالیت ها و تلاشها و مبارزات توانسته اند ترکمنها از جانب مقامات در حد بخشداری برخی مناطق مورد قبول واقع گردند. هنوز بسیاری از فعالین و روشنفکران و متخصصان ترکمن در رشته های علمی، فرهنگی و ورزشی چوب ترکمن بودن خود را می خورند. هنوز در ترکمن صحرا از جانب حکومت سرمایه گذاری صنعتی و تولیدی اشتغال زا صورت نگرفته است. هرچند آقای خاتمی بیشترین آراء خود را در مناطق ملی که عمدتا سنی مذهب هستند بدست آورده اما هنوز آنها شایستگی حضور حتی یك نفر را در کابینه ندارند. در دوره های پیشین، رئیس جمهور یك نفر از ترکمن ها را به عنوان مشاور خود در امور منطقه و اهل سنت انتخاب میکرد، که این در دوره ٤ ساله گذشته آقای خاتمی صورت نپذیرفت. نه آقای حجاریان! ستم مضاعف همچنان بر ملت ما و دیگر ملیت های تحت ستم در ایران روا می رود. این رأی بالا به خاتمی دلیل رفع آن نیست. آقای حجاریان

بقیه در صفحه بعد

www.iran-archive.com

انتخابات، ...

بیش از هرکس دیگر از آمار و ارقام آگاه است.

***

آراء بالای داده شده به آقای خاتمی نشان از تمایل و کشش مردم ترکمن در جهت اصلاحات و هم چنین نشان از امید و تلاش آنان در رفع ستم های ملی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه ترکمن ها به یاری اصلاح طلبان که شعار "ایران برای همه ایرانیان" را میدهند، دارد.

اما آیا این امید و آرزو می تواند به یاری همین اصلاح طلبان حکومتی به واقعیت نزدیك شود؟ مگر نه اینکه شرط اول یاری رساندن به حل مسئله ای شناخت از آن است. جهت شناخت عمده دیدگاه اصلاح طلبان حکومتی در رابطه با این مسئله نگاهی به مصاحبه آقای عباس عبدی با نشریه "اونرنجی" می اندازیم. آقای عباس عبدی از روشنفکران و فعالین رده بالای اصلاح طلبان حکومتی است. وی در این مصاحبه به وضوح نشان می دهد که درك او از مسئله ملی ملیت های تحت ستم در ایران بسیار نازل و راه حل ها و نظراتش بسیار عامی گرایانه است. آقای عبدی بعنوان یك نظریه پرداز جناح آقای خاتمی در حاکمیت شناخت صحیحی از این معضل بزرگ جامعه ایران ندارد. حکومتگران ارزش و بهای بسیار اندکی را برای این جنبش های ملی در ایران قائل هستند.

وقتی که خبرنگار در خصوص پلورالیسم و تکثرگرایی قومی، فرهنگی و زبانی از وی سوال می کند می گوید:" اصلا ما تنها احساسی که نداریم این است که این ترك است و این فارس". و برای اثبات ادعایش می گوید "مهندس بازرگان، مهندس میرحسین موسوی، آیت الله خامنه ای ترك هست" و در ادامه می گوید"حتی قبل از انقلاب هم این مسائل (مسائل ملی و فرهنگی) را ندیده ام حتی زن شاه ترك بود."

آقای عبدی معتقد است که "زبان فارسی زبان ملی کل ایرانیان است". اما خبرنگار نشریه دانشجویی با سماجت و با استناد به قانون اساسی خود جمهوری اسلامی به وی می فهماند که زبان فارسی زبان رسمی است نه زبان ملی همه ایرانیان.

آقای عبدی مسئله را چنان سطح پایین میگیرد که میگوید" اینکه ترکها دوست دارند به زبان خودشان صحبت کنند این ایرادی ندارد" اما وقتی مصاحبه کننده می گوید که دوستان شما در هیئت رئیسه مجلس در جریان بررسی بودجه سال ۱۳۸۰ طرح کمیسیون فرهنگی مجلس مبنی بر اختصاص بودجه ای به منظور اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی سعی کردند که آنرا از دستور کار مجلس خارج کنند، اظهار بی اطلاعی می کند و یا وقتی که خبرنگار می گوید که چرا نامه با امضاء بیش از ۸۰۰ نفر از نخبگان ترك را در روزنامه تان (روزنامه نوروز) چاپ نکردید باز اظهار بی اطلاعی می کند، چونکه آقای عبدی برای این اقدامات ضدفرهنگی اقلیت های ملی جوابی ندارد.

وی در ادامه مصاحبه اش بوضوح بی اطلاعی خود را از وضعیت جامعه ایران نشان می دهد. وی میگوید:"ببینید من ۴۵ سال دارم. نه قبل از انقلاب و نه بعد از آن تا بحال ذره ای چنین احساسی را (احساس ملی گرایی) در داخل هیچ جمعی مشاهده نکرده ام. همسایه مان ترك بود، دوستمان ترك بود، فامیل ترك داریم. نمیدانم این تازگی مطرح شده است." (تاکید از من است)

آقای عبدی حتی ستمهای ملی ای را که رژیم پهلوی در ۵۰ سال حکومت بر ملیت های غیرفارس اعمال داشته کاملا انکار می کند. اکنون که وی در حکومت قرار گرفته، تازه مسئله ای بنام خواستهای ملی را شنیده و از ملیتها طلبکار است که از کجا این مسئله را خلق نموده اند.

این اندیشه و ناآگاهی آقای عبدی که تاکنون نمیدانست که اصلا مسئله ای به نام ستم ملی و فرهنگی وجود داشته است و اخیرا به گوشش خورده نشان از موفقیت عظیم سیستم آموزشی شوونیستی رژیم پهلوی و بازماندگان تاکنونی اش مانند چنگیز پهلوان ها و ورجاوند ها است. شاه و عواملش در پیشبرد برنامه های شوونیستی چنان موفق بوده اند که آقای عبدی دانشجوی فارس روشنفکر زمان شاه و از مسئولین حکومتی جمهوری اسلامی بی خبر از همه جا مانده و همچنان که به وی تلقین شده فکر می کند که ایران فارس و زبان فارسی زبان رسمی و ملی ایران است و از نظر وی کاملا طبیعی است که همه در ایران فارسی حرف بزنند و بنویسند که فارسها متوجه همه چیز بشوند، چونکه بقول خود آقای

بقیه در صفحه بعد

www.iran-archive.com

انتخابات، ...

عبدی اگر ترکی نوشته شود او و دیگر فارسها نمیتوانند بخوانند و متوجه شوند که چه چیزی نوشته شده است. این وضعیت برای وی امری عادی و مسلم گردیده است.

آقای عبدی وقتی که به ملیتها میرسد فراموش می کند که رادیو و تلویزیون با هزینه و بودجه ای که به کل مملکت تعلق دارد اداره می شود. وی میگوید"اگر من عبدی، اگر قدرت داشتم می گفتم حتما یك شبکه سراسری ترکی زده شود می دانید چرا؟ چونکه تردید نداشتم که بعد از یك مدت آن کانال تلویزیونی تعطیل میشود چونکه به شبکه ترك زبان کمتر آگهی داده میشود و نمیتواند هزینه اش را تامین کند." اما آقای عبدی فراموش می کندکه آن همه کانالهای عربی، اردو و ... چگونه هزینه شان تامین می گردد؟ و چرا میلیاردها تومان از بودجه مملکت به رادیو و تلویزیون اختصاص داده میشود؟

درك آقای عبدی از دمکراسی نیز همان سانترالیسم دمکراتیك است. وی از جانبی خود را معتقد به دمکراسی می داند ولی مکانیزم آن را نه در تقویت قدرتهای محلی بلکه در تقویت مرکزیت می داند و میگوید که اگر احزاب منطقه ای، محلی تقویت شوند به سمت تجزیه حرکت خواهند کرد.

آقای عبدی در جای جای مصاحبه اش تاکید می کندکه ترکها هیچ تفاوتی و مسئله ای با فارسها ندارند و اختلاف فقط زبانی است وی میگوید "ولی در جاهای دیگر مثل کردستان، بلوچستان و گنبد قضیه فرق دارد". این فرق داشتن نیز از نظر وی فقط در مذهب است. "شکاف قومی و زبانی در ایران جدی نیست، مسئله اصلی شکاف مذهبی است".

درك آقای عبدی از کل خواستها و احقاق حقوق ملیتهای غیرحاکم در ایران در همین حد است.

اما با اینحال وی در حرف معتقد است که: " این از رسوبات یك نظام بسته است که فکر می کند اگر به فرهنگی اجازه داد غنی و مستقل شود باعث جدایی خواهد شد... اگر از گسترش یك زبان و فرهنگ جلوگیری شود آنهم میتواند موجب اختلال و جدایی شود." و از عملکرد حزب مشارکت دفاع می کندکه " در انتخابات مجلس ششم کوشش کردیم یك جایی که بلوچ هست نماینده اش نیز بلوچ باشد. در جایی که کرد هست نماینده اش هم کرد باشد".

حال اگر مجموعه نظرات آقای عبدی را با سخنان آیت الله خزعلی، یکی از بزرگان نظام جمهوری اسلامی، مقایسه کنیم که خطاب به خاتمی می گوید "ای بدبخت مگر مقام دنیا چقدر ارزش دارد که به خاطر کسب چند رأی از سنی ها منکر ولایت علی شده ای" به یاد یك ضرب المثل معروف ترکمنی نمی افتیم؟

***

همانطور که بارها نیز گفته شد در جامعه چند ملیتی ایران مسئله ملی و مبارزه برای برابر حقوقی همه ملیت های در عرصه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یکی از مسائل مبرم و اساسی است.

مسئله ملی ارتباط تنگاتنگی با امر دمکراسی در ایران دارد. منوط کردن هرکدام به دیگری می تواند ناشی از عدم درك موقعیت و شرایط جامعه ایران باشد.

در شرایط مشخص ایران که آبستن تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده ای است، بایستی که نیروهای ملی در مناطق تحت ستم فعالانه وارد صحنه سیاسی گردند. نیروهای اصلاح طلب حکومتی تاکنون به وضوح نشان داده اند که هیچگونه اقدام در راستای حداقل اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی، که اندکی از نیازها و خواستهای ملی فرهنگی را پاسخگو باشند، صورت نخواهند داد. آنها از پرداختن و تئوریزه کردن و صحبت از جنبش های ملی وحشت دارند و گریزانند.

همانطور که آقای عبدی نیز در مصاحبه اش می گوید "اصلا از ما موضع نخواهید، موضع گیری کردن را نخواهید".

حضور فعال و مستقل نیروهای ملی در جامعه و همکاری با دیگر نیروهای دمکرات و عدالتخواه در جامعه ایران هم در راستای رفع ستمهای ملی و با عدم تمرکزگرایی هم گامی است در جهت رشد و تقویت دمکراسی. از این طریق میتوان خواستهای ملت خود را در جامعه مطرح نموده و با نیروی کافی در جهت تحقق آنها عمل نمود. این تنها طریق موثر است. در غیر اینصورت امید اهدا حقوق، عقب ماندن از تاریخ خواهد بود.

همه ملیتهای ساکن ایران بایستی که دارای حقوق مساوی باشند. همانطور که رادیو و تلویزیون فارسی وجود دارد که عمده

بقیه در صفحه ۱۲

www.iranarchive.com

درباره کتاب

ترکمن ها در عصر امپریالیسم

این یک اثر، یک کار تحقیقی درباره تاریخ و مبارزات ملت ترکمن در مقابل متجاوزین و توسعه طلبان بویژه امپراتوری روسیه در قرن نوزدهم میلادی است. این پژوهش توسط پروفسور دکتر محمت سارای به منظور اخذ درجه دکترا صورت گرفته و در آوریل سال ۱۹۷۸ به بخش "مطالعات مربوط به روسیه و اروپای شرقی" کالج دانشگاه سووان سی (بریتانیا) تسلیم و در ۲۵ ماه می همان سال به تصویب رسیده است. آقای قدیروردی رجایی زحمت برگردان این کتاب را به زبان فارسی کشیده و در دوهزار نسخه در تابستان ۱۲۷۸ نشر یافته است.

این کتاب اثری مستند و خواندنی است که نگارنده تمام تلاش خود را برای پرهیز از یکسویه نگری به تاریخ و رویدادهای تاریخی بکار گرفته و کوشیده دیدگاههای خود را بر اسناد تاریخی و مدلل استوار نماید. این اثر تحقیقی به خواننده خود اطلاعات وسیع و مستند درباره ترکمن های قرن ۱۹ میلادی بدست میدهد. مترجم در این رابطه به توضیح جالبی اشاره می کند: مطالعه این کتاب برای خواننده محترم روشن خواهد کرد ترکمن ها، که در طول تاریخ توسط میسیون های غربی و حتی بعضی نویسندگان خودی یاغی، غارتگر ... قلمداد شده اند، تا چه حد مورد ظلم قرار گرفته اند.

کتاب مشتمل بر دوازده بخش است و نویسنده بجای مقدمه به طرح خلاصه نکات عمده کتاب و معرفی منابع مورد استفاده پرداخته است. پایان کتاب حاوی یک مؤخره، لیست منابع، اندیکس و نقشه ها می باشد. دکتر محمت سارای در توضیح معرفی منابع می نویسد:

"مطالعه منابع تاریخ ترکمن ها به اندازه تاریخ حقیقی آنها جالب و رنگارنگ است. برای مطالعه دقیق تاریخ ترکمن ها در قرن هجدهم و بخصوص قرن نوزدهم آگاهی از تاریخ باستانی ترکمن ها ضرورت دارد. بنابر این، برای این کار، مطالعه منابع قدیمی ترکمن ها اقتضا می کند. هرچند پژوهش های گسترده در این زمینه، مخصوصا به زبان ترکی صورت گرفته، منابع اصلی تاریخ قدیم ترکمن ها می بایستی باز هم از نو مورد بررسی قرار گیرد. منابع قدیمی ترکمن ها عبارتند از: "کتیبه های اورخون"، "قوتاد قوبیلیک" و شرح یا ترجمه های مختلف از داستان "اوغوزخان". این منابع اطلاعات فراوان، مخصوصا درباره ساختار سیاسی و اجتماعی ترکمن ها بدست میدهد. اما متاسفانه مورد غفلت قرار گرفته اند."

نویسنده معتقد است که کتاب "جنگ نامه" اثر عبدالستار قاضی یکی از مهمترین منابع قرن نوزدهم تاریخ ترکمن است. کتاب "جنگ نامه" به نظم نگاشته شده حاوی اطلاعات مهم و مفید درباره سیاست های داخلی و خارجی ترکمنها در دهه ۱۸۵۰ می باشد.

دکتر محمت سارای در تدوین پژوهش خود علاوه بر منابع و آثار قدیم و جدید ملت ترکمن از اسناد و آرشیوهای بریتانیا، روسیه، ترکیه و ایران نیز بطور گسترده سود جسته است. این روش باعث شده است ارزش سندی نوشته در درجه فوق العاده بالایی قرار گیرد.

در بخش های اولیه مؤلف به بررسی تاریخ باستانی و ریشه های تاریخی

بقیه در صفحه بعد

www.iran-archive.com

ادامه از صفحه قبل

درباره کتاب ترکمن ها در ...

ترکمن ها می پردازد. موقعیت جغرافیایی و اقلیمی آنها را به تلخیص شرح می دهد. از نقطه نظر جمعیتی نیز به قبایل و تقسیمات قبیله ای ترکمن ها مروری می کند. به جنگهای قبیله ای و جنگ های ایران با ترکمن ها نیز بگونه ای مستند اشاره می کند.

در بخش سوم کتاب ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ترکمن ها مورد بحث و مداقه قرار می گیرد. مؤلف در بحث مربوط به ساختار سیاسی جامعه ترکمن به نقل از کولونی می نویسد: در میان هیچ ملتی "فخر به اصالت" قوی تر از ترکمن ها نیست. و به نقل از ج. ای. مارکوف چنین می نگارد: " آنها (ترکمن ها) در بین خودشان شعار انقلابی فرانسه یعنی " آزادی، برابری" را رعایت می کردند". هر ترکمن ارباب چادر خودش بود و برده هیچ مرد دیگری نبود." و رونالد تامسون نوشته است که "ترکمن ها از همدیگر دزدی نمی کردند. رؤسا، ریش سفیدان و همه قبایل در یك وضع کاملا مساوی زندگی می کردند".

یکی از موضوعاتی که نویسنده به بحث می کشد موضوع آلامان ها یا گروه های مهاجم است. نویسنده کتاب برداشت و تعبیرات غربی ها و منابع روسی از آلامان را نادرست و اشتباه دانسته و می نویسد: "تا اواسط قرن نوزدهم ترکمن ها به منظور دفاع از خودشان و حمله به کشورهای متخاصم تحت رهبری یك سردار به تشکیل گروه مهاجم بنام آلامان اقدام میکردند."

ترکمن ها علیرغم قدمت تاریخی و باستانی خود نه دارای حکومت مرکزی خاصی بوده اند و نه اینکه صاحب قوانین مدون، نه دارای ارتش منظم و نه دارای سیستم مالیاتی! معذالك توانسته اند موجودیت خود را علیرغم تهاجمات دشمنان قدرتمند حفظ کنند. راز و رمز این بقا چیست؟ دکتر محمت سارای پاسخ این راز را در "توره" می جوید. وی بنقل از "قوتادقوبیلیك" مینویسد: "توره یعنی عدالت، دانش و عقل. توره رئیس حساس است. هنگام اعمال سیاست و حکومت کشور توره هرگز تمایلات شخصی را در قضاوت امور دخالت نمی دهد. انسانها را بطور کلی در نظر دارد! بنابر این در دنیا همچون ماه و خورشید نور افشانی می کند. شدت نور توره در همه جا یکسان است. همه را با برابری کامل در نظر دارد." نویسنده کتاب "قوتادقوبیلیك" یوسف حاجب در تشریح و توصیف توره چنین می گوید: "اگر یك شئی روی سه پایه قرار بگیرد نمی افتد. هر سه پایه باید راست باشد تا آن شئی محکم بایستد. اگر یکی از پایه ها کج یا نادرست باشد روی دو پایه دیگر نمی تواند بایستد، می افتد. یکی از این پایه ها گونیلیك (عدالت)، دیگری توزلك (برابری)، و آخری اوزلوك (مهربانی و یاوری) می باشد. اگر پادشاه (مدیریت) کشوری بر این سه اصل نباشد، آن کشور به آسانی مضمحل میشود."

نویسنده کتاب ما از "دیوان لغات" محمود کاشغری در مورد توره چنین نقل می کند: اگر خشونت از در وارد شود توره از پنجره بیرون می رود و دولت ممکن است رو به زوال بگذارد اما توره باقی می ماند."

دکتر محمت سارای در مورد نشانه های توره در میان ترکمن ها چنین می گوید "برابری که یکی از اصول اولیه توره بود همیشه در میان ترکمن ها وجود داشته است. رؤسای آنها، بزرگانشان و افراد قبیله همگی بر اساس برابری کامل زندگی می کردند. یکی دیگر از اصول توره عدالت است که تا حد معینی در میان ترکمن ها وجود داشت ...

نویسنده کتاب علیرغم استناد به منابع متعدد و متنوع در مورد توره استناد به شاعر بزرگ ترکمن مختومقلی پراغی را فراموش کرده است که گفته بود:

بقیه در صفحه بعد

www.iran-archive.com

ادامه از صفحه قبل

درباره کتاب ترکمن ها در ...

بگ توره آق ساقال یوردینگ ایه سی
گوران توتار کوزل ایلی تورکمن ینگ

دکتر محمت سارای با طرح سوالاتی مانند "ترکمن ها چگونه توانستند قرنهای متمادی توره خود را خالص نگهدارند؟ ... موضوع بحث توره را همچنان باز میگذارد.

نویسنده در ادامه بحث مسایلی نظیر نظام حکومتی و سازمان نظامی و رهبری در میان ترکمن ها را مورد بحث قرار می دهد و به معرفی تنی چند از رهبران ترکمن از جمله کوشیدخان و نوربردی خان می پردازد.

بخش های چهارم و پنجم کتاب به درگیریهای ترکمن ها با ایرانی ها و خیوه ای ها در سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۸۶۰ اختصاص دارد. بخش های باقیمانده کتاب عمدتا سیاستهای تجاوزکارانه روسیه در قبال ترکمنها و مقاومت و مبارزه ترکمن ها و روسها را مورد کنکاش قرار می دهد.

در موخره کتاب چنین آمده است: ترکمن ها در تاریخ پرماجرایشان، در میدان نبرد ملل کوچك آسیای مرکزی، از زمان مهاجرت اکثریت مردم شان، اغوزها، به غرب، در قرن یازده و دوازده، توانسته بودند بقای خود را حفظ کنند. آنها توانستند شخصیت ملی خودشان را هم، در سایه قانون نامکتوب، توره محافظت نمایند.

ر. الف. جانلی

ادامه از صفحه 9

انتخابات، ....

هزینه آن از بودجه ای که متعلق به همه ایرانیان است تأمین می گردد، بایستی که رادیو و تلویزیون ترکمنی، ترکی، کردی، بلوچی و عربی نیز وجود داشته باشد. همانطور که مدارس به زبان فارسی است و یك کودك فارس حق دارد که به زبان مادری خود تحصیل را آغاز کند بایستی که کودکان غیرفارس نیز این حق را داشته باشند که به زبان مادری خود تحصیل کنند. و بدین ترتیب در بقیه امور اجتماعی و سیاسی بایستی که اداره امور هر منطقه توسط نیروهای ملی، آگاه و متخصص همان منطقه باشد. زمانی که همه ملل ساکن ایران در همه امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برابر حقوق شوند شاهد رشد و شکوفایی ایران در همه عرصه های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی خواهیم بود. در این مسیر نبایستی از سلاح زنگ زده اما هنوز دارای کاربرد اتهام "تجزیه طلبی" از جانب کسانی که واقعا عدم خواستار رشد و تعالی ایران هستند وحشت داشت. ایران متعلق به تمام ایرانیان است و هیچکس ایرانی تر از دیگر ایرانیان نیست و همه امکانات مادی و معنوی ایران بایستی بطور برابر در خدمت رشد همه ایرانیان باشد.

منراد

بخش هایی از نامه سرگشاده بیش از ۸۰۰ تن از نخبگان ترک به آقای رئیس جمهور

ضمن تشکر از کوشش های پیگیر جنابعالی در گسترش قانونگرایی و مردم سالاری اجازه میخواهیم نکاتی را از موضع صدق و دلسوزی به استحضار برسانیم.

چندی پیش شاهد اظهارات جنابعالی در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی بودیم، مبنی بر اینکه زبان فارسی رمز هویت ملی ایرانیان است. بی تردید همه ما ایرانی ها گنجینه زبان و ادبیات فارسی را جزئی از ثروت معنوی خود می شناسیم و به آن ارج می نهیم، اما طبیعتا جنابعالی بعنوان رئیس جمهور این کشور در خصوص تنوع قومی و زبانی مردم ایران آگاه تر از آنید که یکی از زبانهای قوی ایران را تا حد رمز هویت ملی همه اقوام ایرانی ارتقا دهید... جنابعالی در یکی از استانهای کشور از اهالی آن منطقه بعنوان "ایرانیان خالص" یاد کردید و این امر چنین شبهه ای را بوجود آورد که میتوان ایرانیان را به خالص و ناخالص تقسیم کرد، که این تصور طبعا با مفاهیم نوین جامعه شناسی که نژاد را مبنای تعریف ملیت نمی شناسد، مغایرت دارد.

...جنابعالی در یکی از سفرهای خارجی خود ضمن اشاره به حوادث صدر اسلام یادآور شدید که ما اسلام را پذیرفتیم، اما عرب نشدیم. این سخن از زبان رئیس جمهور کشوری که بخشی از ملت آنرا اعراب تشکیل می دهند و زبان رسمی آن نیز با بهره گیری از گنجینه لغات عربی بسیار پربارتر گردیده است، شگفت آور است.

... برخورداری از حقوق و آزادیهای قانونی نباید حتا به بهانه حفظ استقلال و تمامیت ارضی تعطیل شود و می دانیم زبان مردم یك کشور نمی تواند برای آن مردم خطر امنیتی تلقی شود. کسانی که زبان مردم را خطر امنیت ملی تلقی می کنند، به راستی از کدام ملت دفاع می کنند؟ حقیقت امر این است که احترام به حقوق اقوام موجب همبستگی ملی بوده و خود حافظ استقلال و تمامیت ارضی ایران می باشد و تعلل در شناخت هویت یك ملت خود نوعی خطر امنیت ملی به شمار می آید که باید بصورت جدی با آن مقابله شود.

... تقاضای تجدید نظر در نگرشها و سیاستهای خود در قبال زبان های قومی ... داریم.

www.iran-archive.com

مطالبات قومی - ملی و جنبش اصلاح طلبی در ایران

ایران مسکن اقوام و ملل گوناگون است. در این سرزمین، آنها به رغم اختلافات زبانی ، فرهنگی و مذهبی ، قرنها در کنار هم به طور مسالمت آمیز زندگی کرده اند. اگر ایران دارای این گونه گونی نبود شاید در کوران جنگ ها و گردبادهای دوران های مختلف تاریخی قد علم نمی کرد. در طول تاریخ در پی حملات نیروهای بیگانه وقتی قومی و یا ملتی از این سرزمین سرکوب می شد از گوشه ای دیگر قومی و یا ملتی دیگر به کمکش می شتافت و استقلال آن را احراز می کرد. این رابطه پر فراز و نشیب اقوام و ملل ساکن ایران در سده های اخیر و بویژه با به قدرت رسیدن رضاخان در ایران دچار مشکلات حاد گردید. در دوران قبل از به قدرت رسیدن او صحنه سیاسی ایران با مشکلی به نام درگیری قومی و یا ملی با حکومت مرکزی وجود نداشت چرا که ایالات خودمختار بودند. در حوزه خارجی حاکمان محلی به عنوان جانشینان حکومت مرکزی مستقر بودند و در حوزه داخلی مطابق سلایق و عرف و سنن متداول خود عمل می نمودند. این تعادل موجود امکان کشمکش سیاسی و نظامی ملی گرایانه یک قوم و یا ملت با حکومت مرکزی را بوجود نیاورد. در دوران رضاخان سیاست سرکوب شدید ایالات دنبال شد و روابط ایالات با دولت مرکزی دچار تغییرات اساسی گردید. همین سیاست سرکوب رضاخانی از عوامل اصلی پا نگرفتن نهال مردم سالاری در ایران بود.

به مثابه عضوی از اقوام و ملل چندگانه ساکن ایران ، ترکمن های ترکمن صحرا نیز در طول تاریخ پر فراز و نشیب خویش ناملایمات و بحرانهای حادی را از سر گذرانده اند و برای آزادی و حیات شرافتمندانه با دشمنان خارجی و با ستمگران داخلی ستیزیده و از زاد و بوم خود که ایران نام دارد دفاع نموده اند. اما حضور و تلاش آنان در این سرزمین، برای حکومت هایی که در طول ۸۰ سال اخیر به قدرت رسیده اند قابل هضم نبوده است و همیشه از سوی حاکمان و دولتمردان کشور شهروند درجه دوم تلقی شده اند. تضییع حقوق آنان نه احساسی بلکه واقعیتی قابل مشاهده است.

سه بار رای به اصلاحات

ترکمن های ترکمن صحرا، همانند دیگر اقوام و ملل ساکن ایران با زبان رای، اراده حیات خویش را به ثبات رساندند و آزادی و حق انتخاب خود را یک بار با زبان قهر (انقلاب ۵۷) و سه بار با زبان رای دادن به اصلاحات و توسعه سیاسی و فرهنگی تثبیت نمودند. در انتخابات اخیر ریاست جمهوری ۸۴٪ از مردم ترکمن صحرا (برای مثال در آق قلا و بندر ترکمن حدود ۹۵ در صد) رای به نام خاتمی ریخته اند. باردیگر، میزان مشارکت آنها نشان می دهد که آنها از هر اصلاح طلبی اصلاح طلب تر هستند. این نکته مهم را نباید فراموش کنیم که رای آنها، رای به شخصیت و یا به تبسم زیبای خاتمی نیست بلکه رای به دستیابی به مطالبات حقه خویش در راستای اصلاحات می باشد.

مطالبات محوری

در ایران تفاوت زیادی بین موقعیت اقوام و ملل وجود دارد. در حالی که ترک ها ، کردها ، بلوچ ها و ... قلمرو جغرافیایی خود را حفظ نموده اند و در نقشه جغرافیای ایران ، به قلمرو آنها به نامهای استان آذربایجان ، استان کردستان ، استان سیستان و بلوچستان و ... برخورد

www.iran-archive.com

میکنیم، در منطقه ای مانند ترکمنصحرا، به جای احراز و حفظ هویت قلمرو جغرافیایی ترکمن ها ، این سرزمین را بین استانهای همجوارش تقسیم نموده اند.

تبدیل ترکمن صحرا به استانی مستقل به مرکزیت یکی از شهرستان های ترکمن نشین، واگذار نمودن امور آن (استان) به دست خود ترکمن ها و آزادی های فرهنگی ، گامی بس موثر در راه توسعه و اصلاحات در ترکمن صحرا خواهد بود. ترکمن صحرا با قدمت هزاران سال سابقه و داشتن ویژگی های ممتاز در تمامی ابعاد از شرایط خاص قانونی برای استان بودن چیزی از استان های همجوار خود کم ندارد. ویژگی های این سرزمین که استحقاق آن را برای تبدیل به استانی مستقل می رساند در زیر بطور مختصر از نظر خوانندگان عزیز می گذرد: همانگونه که از نام ترکمن صحرا پیداست ، این سرزمین از دیرباز قلمرو جغرافیایی ترکمن ها بوده و می باشد. در حال حاضر این سرزمین دارای چندین شهرستان ، بخش و بیش از هزار روستا و آبادی مسکونی با جمعیتی قریب به سه میلیون نفر است.

ترکمن صحرا سرزمینی است به وسعت ۲۸۰۰۰ کیلومتر مربع و بالغ بر دو میلیون دویست هزار هکتار زمین. این سرزمین از غرب به دریای خزر ، از شمال به کشور ترکمنستان ، از شرق به استان خراسان ، از جنوب به استان مازندران محدود می شود. ترکمن صحرا از چندین استانهای کشور به نامهای سمنان ، ایلام ، چهارمحال و بختیاری ، کهکلویه و بویراحمد، گیلان و همدان وسیع تر است و به تنهایی از ۷۰ کشور جهان بزرگتر است.

ترکمن صحرا سرزمینی است که در چهار راه منطقه ای یا ژئوپولوتیک واقع شده است . این سرزمین بر سر راه ایران مرکزی ، از طریق دریای خزر به روسیه و قفقاز ، جمهوری های آذربایجان، ارمنستان و از راه خشکی به جمهوری های آسیای میانه و خاور دور (راه ابریشم) قرار دارد. بنابر این ، از دیر باز، برخورد تمدنها و عقاید و آداب و رسوم و پیدایش آثار کهن تاریخی را در این سرزمین موجب شده است.

به گواه تاریخ ، ترکمن صحرا ، مورد توجه قدرت های جهانی چون امپراتوری روسیه تزاری و بریتانیای کبیر بوده است و در دفاع از استقلال ایران، ساکنان این سرزمین با پشت گرمی همدیگر بر علیه سیاستهای استعماری روس ها و انگلیس ها ستیزیده اند.

۶۵۰ هزار هکتار از خاک ترکمن صحرا زراعتی است که سالانه بیش از یک میلیون تن انواع محصولات زراعتی و باغی تولید می کند. ترکمن صحرا از قلب های مهم کشاورزی ایران می باشد که اهمیت و نقش تعیین کننده این سرزمین در تامین محصولات اساسی کشاورزی نه تنها بر کسی پوشیده نیست، بلکه جایگاه ویژه آن در کلان اقتصادی کشور بر همگان مبرهن و آشکار است. با وجود محرومیت و دغدغه های سرمایه گذاری از سوی مرکز ، سالانه هزاران تن انواع محصولات از اراضی حاصلخیز ترکمن صحرا برداشت می شود. به عبارت دیگر ترکمن صحرا در افزایش توان اقتصادی کشور از اهمیت به سزایی برخوردار است ، منطقه ای که تولید کننده است استحقاق تبدیل به استانی مستقل را دارد.

تقسیم ترکمن صحرا بین دو استان همجوار آن به منظور امحا هویت جغرافیایی این سرزمین از جمله سیاست های غلط در گذشته می باشد. اکنون زمان آن فرا رسیده است که دولتمردان کشور در تقسیمات کشوری تجدید نظر بکنند.

سیاست نفی حقوق فرهنگی اقوام و ملل غیر فارس هم از جمله سیاست های غلط در گذشته برای ایجاد دولتی مقتدر و مرکزی بوده است. استیفای آزادی های فرهنگی ، یکی از ستون پایه های حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نیز ضامن سلامت جامعه مدنی در ایران فردا خواهد بود. آزادی های فرهنگی حکم می کند نه تنها فارس ها بلکه ترکمن ها ، ترک ها، کردها، بلوچ ها و ـ در تکلم ، آموزش و آفرینش به زبان مادری ، مانند فارس زبانان ، از آزادی های برابر و نیز ازحق استفاده از رسانه های گروهی برخوردار باشند. به عبارت دیگر، مدنیت جدید ایجاب می کند که از ترکمن ها (و از سایر اقوام و ملل غیر فارس) رفع تضعیقات گردد. اینک آنها از حقوق ملی و شهروندی در بسط و گسترش فرهنگ خود محرومند. با به رسمیت شناختن حق انحصاری زبان فارسی، زبان ترکمنی همانند زبانهای دیگر عملا به حاشیه رانده شده است.

امکان آموزش و تدریس به زبان مادری از زمره حقوق فرهنگی تمامی اقوام و ملل ساکن ایران محسوب می شود که بدون آن و بدون آزادی های بیان ، نشر و رسانه ای ، زبان و فرهنگ آنها نمی تواند پویا و شکوفا گردد. مسئله حفظ زبان و فرهنگ ترکمنی ، ترکی ، کردی، بلوچی و یا ـ مسئله ایست کاملا انسانی ، طبیعی و قانونی چرا که این موضوع در قانون اساسی کشورمان نیز قید شده است. بعلاوه حق برخورداری از زبان مادری ، حتی در اعلامیه حقوق بشر (ماده سوم) نیز تاکید شده است. در اعلامیه آمده است : " هر دولت موظف است برای افراد خود این حق را به رسمیت بشناسد به هر زبانی که مایل باشند صحبت کنند و آن را بیاموزند".

عده ای از روشنفکران فارس و مرکزنشین ، دل نگران آنند ، که تقویت و رونق زبان و فرهنگ اقوام و ملل غیر فارس به تضعیف زبانشان و تقلیل اهمیت آن خواهد انجامید. در حالیکه ، شواهد تاریخی و منطق عقلی حکم میکند که شکوفایی فرهنگ و زبان اقوام و ملل غیر فارس، رونق و بالندگی فرهنگ و ادب کشور ایران را در پی خواهد داشت.

www.iran-archive.com

با مسکوت گذاشتن اصل ۱۵ قانون اساسی و با سکوت اصلاح طلبان دوم خردادی پیرامون این مسئله ، ترکمن ها و سایر اقوام و ملل غیر فارس عملا به شهروند درجه دوم تبدیل گشته اند ، آنچنانکه ، از مزایا و حقوق اجتماعی برابر برخوردار نیستند. استیفای آزادیهای اساسی برای آنها ضرورتی است که آنرا به آینده نمی توان موکول کرد ، چرا که مدنیت جدید می طلبد که کلیه شهروندان در برابر قانون برابر و مساوی الحقوق شمرده شوند. برابری کامل حقوق کلیه شهروندان و تکثرگرایی فرهنگی ، سلامت و بالندگی جامعه را تضمین می کند. جامعه چند زبانه ای مثل ایران می تواند از رشد و توسعه فرهنگی سریعتری برخوردار گردد چرا که گوناگونی و تبادلات خلاق ، جامعه را غنی تر و پویا تر می سازد. بنابر این، پلورالیسم زبانی خطری برای حفظ وحدت ملی و انکشاف فرهنگ فارسی در بر ندارد.

در فضای نگران کننده ای که دولتمردان ، از ترس رشد گرایشات تجزیه طلبانه ، حقوق دیگر اقوام و ملل ساکن ایران و مطالبات مشروع آنان را به رسمیت نمی شناسند و از تامین بعد عمودی تکثرگرایی فرهنگی سرباز می زنند، مسئله ملی ، به مثابه آتش زیر خاکستر ، هر آینه ، می تواند شعله ور گردد.

البته میزان بر آورده شدن مطالبات ترکمن ها (و دیگر اقوام و ملل ساکن ایران) بار دیگر، به دینامیسم اصلاح طلبی خاتمی بستگی دارد.

دینامیسم حرکت اصلاح طلبی خاتمی

پس از فوران جنبش مردمی دوم خرداد ، خاتمی نه حرکت اصلاح طلبانه ای را آغاز کرده بود و نه برنامه ای برای آغاز آن داشت. جناح چپ جمهوری اسلامی که در یافتن نامزدی برای ریاست جمهوری ناموفق مانده بود، در آخرین لحظه به خاتمی روی آورد و او ، گویا با تردید، حاضر شد وارد گود شود تا در برابر ناطق نوری ، رئیس مجلس ، که نامزد محافظه کاران بود، به مبارزه انتخاباتی بپردازد. نه خاتمی و نه مخالفان او در ابتدا انتظار نداشتند خاتمی در انتخابات پیروز شود، چه رسد به اینکه چنان موفقیت عظیمی کسب کند. مخالفت خاتمی با انحصار طلبی نیروی های غالب در حکومت ، برداشت دمکرات نشانه او نسبت به مفاهیم مذهبی ، و روی باز و متبسم او، مردم را بر آن داشت تا وسیعا در انتخابات شرکت کنند و به عنوان رایی منفی به ناطق نوری ، که نماینده محافظه کاران و انحصار گران بود، به خاتمی روی آورند. به این حساب این خاتمی نبود که اصلاحات را آغاز کرد، بلکه این جنبش اصلاح طلبی مردم بود که خاتمی را بر سر کار آورد. در طول این چند سال که از انتخابات ۷۶ می گذرد، خاتمی بر موج اصلاح طلبی نشسته و بیش از هر چیز می کوشد این حرکت توفنده را مهار کند. خاتمی همچون سوارکاری که ما از چند و چون مهارتش بی خبریم ، ممکن است از اسب بیفتد، با آن به پیش بتازد، یا اینکه آن را مهار کند. اینکه کدام یک از این شقوق مقدور است ، به مهارت و قدرت یادگیری این سوارکار و به توفندگی مبارزه مردم بستگی دارد. اما مهم این است که جنبش اصلاح طلبی امروز در ایران نه به وسیله خاتمی آغاز و نه حتی به وسیله او رهبری می شود. با نبود " شفافیت" در سازمان حکومتی ، جز بر آنکه به اندرون حکومتی راه دارند معلوم نیست که خاتمی به چه میزان و از چه دیدگاهی با متولیان جمهوری اسلامی چانه می زند. تا به حال در بزنگاه هایی که در برابر جنبش اصلاح طلبی قرار گرفته ، خاتمی با آرامش و تبسم عقب نشینی کرده است و در مقابل نیروهای محافظه کار پایداری نشان نداده است. ظاهر امر این است که اینها عقب نشینی های تاکتیکی است، اما معلوم نیست حمله استراتژیکی کی فرا خواهد رسید. جناح مخالف او تا کنون چاره ای جز پذیرش خاتمی برای مقابله با جنبش اصلاح طلبی نداشته است. فشار از پایین مانع آن بوده است که خاتمی شخصا زیر ضرب برود. امتحان او وقتی فرا می رسد که خود او مورد انتقاد و حمله قرار بگیرد. اما مهمتر از شخصیت خاتمی ، موازنه نیروهای متقابل و دینامیسم جنبش اصلاح طلبی است. رهبری این جنبش به دست گروه "دوم خرداد" است که جمعی متفرق ، از فعالان و صاحب منصبان پیشین جمهوری اسلامی است. آنان همچون بروکرات های جوان شوروی در سالهای میانی دهه ۱۹۸۰ برای حفظ نظام در پی اصلاح آن هستند.

گزینش خاتمی به عنوان نامزد اصلاح طلبان برای اولین بار این فرصت را برای مردم ایران پیش آورد که به جناح انحصارگرای جمهوری اسلامی رای منفی دهند، که دادند. در انتخابات شوراها و نیز انتخابات مجلس ششم و در انتخابات اخیر ریاست جمهوری هم چنین کردند. اما چرخش اصلاح طلبی این روز ها سخت به گل نشسته است. در بازی قدرت میان دو جناح جمهوری اسلامی ، اصلاح طلبان علیرغم موفقیت های انتخاباتیشان دچار عقب نشینی های متعدد و نگران کننده شدند. امروز بر مردم معلوم نیست که آیا اصلاح طلبان توانایی حراست از دستاورد های جنبش اصلاح طلبی را دارند یا نه ، چه رسد به آنکه آنها را گسترش و تعمیق بخشند.

www.iran-archive.com

توانایی اصلاح طلبان "دوم خردادی"

مسئله اساسی در عملکرد "دوم خردادی" ها از اینجا ناشی می شود که علیرغم همه بحثها و حرف ها، آنان هنوز هم که هنوز است خود را در مجموعه جمهوری اسلامی " خودی " می دانند و به این لحاظ استراتژیی را دنبال کرده اند که عملا نیروی توفنده جنبش اصلاح طلبی را به هرزه برده است. از ویژگی های اصلاح طلبان دوم خردادی این است که تقریبا همگی از فعالان سیاسی و کارگزاران عمده جمهوری اسلامی در دهه نخستین پس از انقلاب هستند. اینها همراه با میر حسین موسوی در اواخر دهه پیشین به کنار رانده شدند. اینان در طول دهه اخیر به این نتیجه رسیده اند که حفظ و بقای جمهوری اسلامی در گرو دمکراتیزه کردن آن و رفع انزوای سیاسی ایران در گسترهٔ جهانی است. اینان دریافته اند که انحصارطلبی و خشونت و سیاست های تحمیلی ، حکومت را منزوی کرده و راهی جز این نیست که انحصارگری به کنار رفته و کفتکوی آزاد به عرصه سیاسی وارد شود.

اما دوم خردادی ها به بیماری "پساگورباچفیسم" دچار شده اند. در اینان زمینه گرفتاری به این بیماری ، که وحشت از رخنه نیروهای "غیرخودی" و از دست رفتن امکان رهبری است ، بسیار مستعد است. اینان تقریبا همگی به هنگام استقرار جمهوری اسلامی از نظرپردازان ، کارگزاران و مبلغان سیاست خذف نیروهای "غیرخودی" بودند. بقایای آن تفکر هنوز برای آنان از میان نرفته است. وقتی که به حرکت چند سال اخیر دوم خردادی ها نگاه کنیم ، درمی یابیم در حالیکه آنان از حمایت مردمی سخت مشعوفند ، از این نیز در هراس بوده اند که مبادا کار از دستشان به در رود و در جمهوری اسلامی آن شود که در شوروی شد. آنان از آغاز این نکته را صریحا می گفتند که مبارزه شان تنها در جهت تعدیل رویه و رویه جمهوری اسلامی است و نه کلامی بیش.

حرکت سیاسی "دوم خردادی ها"

اینان علیرغم تاکیدی که بر دفاع از جامعه مدنی داشته اند، تلاش اندکی در تعمیق آن کرده اند. استراژی دوم خردادی ها عمدتا مبتنی بر نشر وسیع روزنامه ها در دفاع از آزادیخواهی و در طرفداری از دموکراسی بوده است تا راه را برای "بسیج از پایین و چانه زنی در بالا" باز کند. این در واقع تنویر افکار در پایین و چانه زنی میان " خودی "های انحصارطلب و "نیمه خودی" های اصلاح طلب بود. تردیدی در این نیست که وجود نشریات آزادیخواه پرمایه از واجبات یک جنبش اصلاح طلب و یک جامعه مدنی است، اما این کافی نیست.

تداوم جنبش اصلاح طلب به وجود سازمان هایی توده ای بستگی داردکه امکان بسیج و تشکل مردم در آنها باشد. وجود سازمان های سیاسی و صنفی است که حرکت اصلاح طلبی را قوام می بخشد و حتی در جوامع دموکراتیک ، دموکراسی را تضمین می کند. نشریات هرچند به شفافیت بحثها در جامعه و افشای کاستیهای دولت کمک می کنند و از مظاهر جامعه مدنی هستند ، اما این به نحوی خود کافی نیست. چرا که یک روزنامه را ممکن است توقیف و یا نویسنده اش را زندانی کنند، اما هیچ نیروی مخالفی ، هر قدر قدرتمند و بیرحم باشد ، در مقابل نیروی منسجم و متشکل توده ای نمی تواند کاری بکند. مردم همیشه آزادیخواه و اصلاح طلب هستند اما به صحنه آوردن آنان همیشه و در همه شرایط امر فرض شده ای نیست. این است که به اصلاح طلبان باید گفت ، فرصت را بیش از این از دست ندهید. فردا ممکن است خیلی دیر باشد.

سرنوشت جنبش اصلاح طلبی

بسیار محتمل است که مردم را تحمل زورگوییهای انحصارطلبان نباشد و علیرغم نبود رهبری قاطع از جانب دوم خردادی ها یا به رهبری بخشی که دست از مماشات برداشته باشد موج اعتراضی بالا گیرد و انحصارطلبان به عقب رانده شوند و امکان بحثهای اساسی در سازماندهی اجتماعی و سیاسی در ایران پیش آید. نا محتمل نیست اگر در چنین وضعی ، پس از آنکه نیروهای مردمی به پیش تاختند ، باز کسانی بکوشند تا در رهبری حرکت اصلاح طلبی قرار گیرند. اینها بستگی به عواملی دارد که روند تحولی شان قابل پیش بینی نیست پارامتر های جنبش مردمی ایران در بر خورد با حرکت های انحصار گرایانه ، از یک سو ، و شرایط اقتصادی از سوی دیگر. اینها بستگی دارد به چند و چون طیف نیروهای دوم خردادی و نیروهای انحصارطلب، و شخصیت افرادی که وضع کلیدی در اوضاع سیاسی ایران دارند. اکنون فقط این را می توان گفت که وضعی که بویژه در چندین ماه اخیر پیش آمده ، وضعی بسیار ناخوشایند است . معنای این بحث این است که با توجه به این وضع است که نیروهای دوم خردادی که عملا در موضع رهبری حرکت اصلاح طلبانه مردم قرار گرفته اند، باید استراتژی خود را ارزیابی کنند. با دوم خردادی ها ، یا بدون آنان ، جامعه ایران در راه تحول اجتماعی و استقرار دموکراسی پیش خواهد رفت . سؤال مهم این است که رهبری این جنبش را چه نیرویی بر عهده خواهد گرفت .

موسی

منبع در دفتر نشریه موجود است

www.iran-archive.com

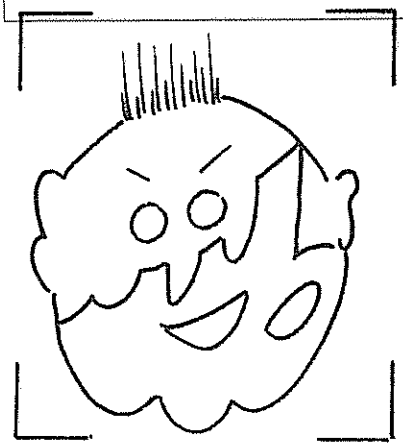

شهرسازی بدون هزینه!

تایاق: گوش کن توقماق، قضیه جدیت!
من بعنوان فرماندار ارتقاء سمت می یابم.

توقماق: یعنی این شهر کوچک آق قلا که حالا شهرستان شده، بدون شهردار می ماند؟

تایاق: قرار است کسی را که احتمال میرود از افراد بومی نیز باشد انتصابش کنند.

توقماق: قضیه چیست؟

تایاق: قضیه از این قرار است که ما باید قبل از رفتن، طرح و برنامه‌هائی را بعنوان، طرح و برنامه‌های آتی، به تصویب برسانیم که شهردار آینده از روی آن عمل نماید. طرحها باید کاملاً بدون هزینه و قابل اجرا باشد.

توقماق: بسیار خوب، در چه زمینه‌هایی باید باشد؟

تایاق: توقماق، ما سالهاست که اینجا انجام وظیفه می کنیم باید طرحهایی را مدنظر بگیریم که در انظار مردم باشد، یعنی با انجام آن مردم ببینند. دارد چیزهایی عوض میشود و کارهایی دارد صورت می گیرد.

توقماق: حالا فهمیدم. منظورتان، بهداشت و زیباسازی شهر و غیره

تایاق: کاملاً درست است. یکی از مشکلات اساسی ما که تا حالا لاینحل مانده است، وجود آن ایله داران است که در ازدحام جمعیت پنجشنبه بازار، در وسط شهر بار می برند و حیوان مجبور میشود روی خیابان خراب بکند و این کاریست که چهرهٔ شهر را برهم میزند، که راه حل مناسبی را باید ارائه داد.

www.iran-archive.com

توقماق: پیشنهاد من این است که تمامی ارّابه داران باید به پشت اسبهایشان گونی ببندند، تا سرگین و مدفوع حیوان روی آسفالت نریزد.

تایاق: آفرین توقماق، بنویس: مادهٔ یک، تمامی ارّابه داران موظف هستند به پشت اسبهایشان گونی ببندند تا مدفوع آنها روی آسفالت نریزد.

مادهٔ ۲: هزینه و تهیهٔ گونی برعهدهٔ خودشان می باشد.

توقماق: پیشنهاد دوم من این است که چون گاوها نیز از این طرف شهر به آن طرف شهر به چرا میروند این طرح شامل آنها بشود.

تایاق: بنویس، مادهٔ ۳: تمامی گاوداران موظفند که به پشت گاوهایشان گونی ببندند.

مادهٔ ۴: هزینه و مخارج آن برعهدهٔ خودشان است.

تایاق: گاوها یک مشکل اساسی دیگر نیز دارند و آن رعایت نکردن چراغ راهنمائی و رانندگی است!

توقماق: برای حل این مشکل یک راه حل اساسی و علمی پیشنهاد میکنم و آن قانون پاولف است.

تایاق: قانون پاولف چیست؟ یعنی هزینه ای در بر دارد یا نه؟

توقماق: نه. طبق این قانون به حیوان آموزش میدهیم و آنرا شرطیش می کنیم و این راه حل، عملی است. یعنی کافیست که هر روز بیست کیلو انار سرخ ساوه را با پانزده کیلو سیب کال خراسان مخلوط کرده، جلوی گاو بگذاریم!

اگر گاو لب به انار سرخ زد، کشیده ای دم گوشش می زنیم تا به طرف سیب برود و تکرار این عمل منجر میشود که گاو شرطی بشود یعنی گاو نتیجه می گیرد که رنگ سرخ برایش ممنوع است و حتش نیز نمی باشد و برعکس رنگ سبز حقش بوده و می تواند آنرا بردارد و بخورد و این را تعمیم میدهد به مفاهیم دیگر یعنی در موقع چراغ قرمز عبور نمی کند یعنی میداند که ممنوع است و

www.iran-archive.com

و برعکس در موقع چراغ سبز می گذرد چون میداند حقش است

تایاق: آفرین توقماق، آفرین، کاملاً منطقی است. بنویس،

ماده ۵ = تمامی گاوها باید آموزش ببینند.

ماده ٦ = هزینه و مخارج این کار برعهدهٔ صاحبان آن می باشد.

توقماق: پیشنهاد دیگر من این است که اگر تصادفی نیز در وسط خیابان با گاوها صورت بگیرد، قبل از وقوع، حکمش صادر شده باشد! یعنی راننده صد در صد مقصر است!

زیرا گاوها طبق آموزش هیچ خطایی نمی کنند یعنی چراغ صد در صد سبز بوده که گاوها از جاده عبور کرده اند و راننده بی جهت با آنها تصادف کرده است.

تایاق: بنویس، ماده ۷ = در تصادف راننده با گاو، راننده صد در صد مقصر شناخته خواهد شد.

ماده ۸ = راننده بدون اعتراض، جریمه را پذیرفته و به حساب دولت بریزد.

www.iran-archive.com

نتیجه: پس از گذشت زمان و باروی کار آمدن شهردار جدید و عملی شدن طرحها و موارد تصویب شده، گاوها تمامی فضای سبز شهرداری، اعم از محصولات کشاورزان را نیز خورده بودند!

چون گاوها آموزش دیده و کارهایشان را نیز از روی قانون انجام میدادند در هیچ محکمه ای نیز محکوم نشدند!!

ایوب کرکزی

مصاحبه با آقای کریمی از حزب دمکرات کردستان ایران

ایل گون : آقای کریمی تحلیل شما از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران چیست؟ آیا شما در جناح اصلاح طلب حکومت قابلیت پرداخت به مسائل ملی را می بینید؟

کریمی : به نظر ما جمهوری اسلامی ایران پدیده ای است که نه توانائی تحول دارد به طرف دمکراسی و نه تحمل هیچگونه تغیرات دموکراتیك در آن وجود دارد. علتش هم دینی است مبتنی بر فرامین الهی و آسمانی و فرامین الهی و آسمانی هم لایتغیرند، بنا بر این تغییری در این احکام دادن نوعی بدعت و کفر است. از نظر جمهوری اسلامی حالا اگر این احکام الهی و این سیستمی که در آن هست حالا با منافع او و شروتمندیهای آخوندها و آیت الله ها گره خورده و آن هم یك مسئله اساسی است مزید بر این شده که بنام دین مردم را غارت بکنند و بکشند. تحلیل ما از جمهوری اسلامی بر این مبناست که تغییر دادن در آن اگر غیر ممکن نباشد بسیار بسیار مشکل است.

بعضی ها تصور می کنند جمهوری اسلامی ایران استحاله می شود یا در آن تغییری بوجود می آید یا میلی و سیری به دموکراسی دارد. اینها اکثرا اگر جسارت نکرده باشم نوعی خوش خیالی است که انسان می خواهد با کمك استدلال های سوفسطائی خودش را اغنا بکند.

ارزیابی ما از جناح اصلاح طلب نیز بدینگونه است که که ما در جناح اصلاح طلب نیز فقط اختلاف سلیقه می بینیم و نه اختلاف عقیده. در عقیده یکی هستند: هر دو معتقد به حفظ نظام، هر دو معتقدند به ولایت فقیه ، هر دو معتقدند به احکام الهی ، هر دو معتقدند به احکام فقهی

و اختلاف سلیقه ای هم که در میان دو جناح وجود دارد نباید به حساب تضاد با یکدیگر گذاشت. من تصور نمی کنم که اینها به مسئلهٔ ملی نیز بپردازند. ما هیچ قابلیتی نه فقط در جناح اصلاح طلب ، بلکه حتی در جناح هائی که ظاهرا مخالف اینها هستند و معتقدند اگر بیایند روی کار تغییر می کنه در اینها هم نمی بینم.

ایل گون : تحلیل شما از اپوزسیون چیست و معیار و چهارچوب همکاری شما با اپوزسیون چگونه است؟

کریمی : در اپوزسیون خارج متاسفانه چیز قدرتمندی که نقش داشته باشد نمی بینم. در داخل حرکت عظیمی هست منتهی این حرکت عظیم زیر یك غشایی از قدرت و تهدید جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی اش قرار دارد و کنترل شدید می شود، بنا بر این اپوزسیون به آن صورت که ما مراد می کنیم یعنی یك تجمع کیفی که بتواند اثر گذار باشد. حداقلش این است که از نظر ما هنوز بوجود نیامده و ما می کوشیم چنین چیزی بوجود بیاد.

ما باید اول سعی بکنیم یك اپوزسیون بوجود بیاوریم که بتواند نقش داشته باشد، بعد اصولی برای اپوزسیون توافق بکنیم که با آن اصول می شود معیار چهارچوب همکاری ما با دیگران معین گردد.

ایل گون : آلترناتیو را در آیندهٔ ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

کریمی : آلترناتیو را در ایران آلترناتیوی می بینیم که به اساسی ترین ، حیاتی ترین مسئله ایران جواب بدهد. اساسی ترین و حیاتی ترین مسئلهٔ ایران را نیز ما مثل همهٔ نیروهای اپوزسیون و همهٔ نیروهای مخالف رژیم در دموکراسی می بینیم. ما می گوئیم از نظر علوم اجتماعی که سازمان های سیاسی در اجتماع یا هر دولتی مبتنی بر پایه هائی است که آن پایه ها تضمین کننده سیستمی است که بوجود آورده اند.

در اروپا دولت ها اگر دمکرات هستند به دلیل وجود پارلمان یا قانون اساسی یا تعدد احزاب نیست، بلکه خود این پارلمان و تعدد احزاب و قانون اساسی مبتنی بر قدرت هائی است که در داخل اجتماع وجود دارند. آنها می توانند دولت ها را درست بکنند و اینها هستند که دولتی که منتخب اقشار مختلف هست مجبورش می کنند که رعایت بکند قانونی را که بعنوان قانون اساسی همه شان قبول

www.iran-archive.com

دارند. قدرت ها وادار می کنند دولت ها را یا دولت ها موظفند آن اصولی را که در قانون اساسی است رعایت بکنند. این قدرت ها بازتاب فکری و سلیقه هایشان در احزاب متعدد تبلور پیدا می کند. اما قدرت اصلی که تنظیم می کند عبارت از آن طبقات یا آن نیروهای اجتماعی هستند که در داخل اجتماعند و قدرت دارند و حکومت را می سازند. ظاهر قضیه را که ما می بینیم مجلس، پلیس مقتدر، احزاب متعدد، دادگاههائی که بر مبنای عدالت عمل می کنند، اینها همه مبنی بر قدرت هائی هستند که پایه های قدرت را بوجود آورده و مستقل اند، محکم هستند و دولت ها را می سازند و دولت ها هم مجبور به رعایت این هستند در واقع باید نه ظاهر قضیه، بلکه بنیادش را باید دید بنا براین آلترناتیو را ما در ایران آلترناتیوی می بینیم که در جهت و راستای ایجاد یك سیستم دموکراتیك کوشش بکند. برنامه اش این باشه سیستم دموکراتیکی را که عرض کردم ، یعنی سیستمی را پیشنهاد بکنیم که پایه های تضمین کنندش در داخل اجتماع وجود داشته باشد. این پایه های تضمین کنندهٔ دموکراسی یا اقتصادی است یا سیاسی یا سیاسی- اقتصادی باهم . اقتصاد سیاسی دول اروپائی یا مثلا همین آلمان قدرت های بزرگ کنسرن ها ، بانك ها ، کارخانه ها هستند که خیلی قدرتمند و قوی هستند و دولت بر مبنای مالیات اینها زندگی می کند. اینها یك قوانینی نیز گذاشتند که اقشار غیر سرمایه دار نیز از آن استفاده می کنند. مثلا طیف وسیع خدمات عمومی کارمندان ادارات که در اختیار اقشار غیر سرمایه دار نیز قرار دارند. بنا بر این یکی از پایه های تضمین دمکراسی قدرت اجتماعی طبقات اجتماعی است که می تواند دولت ها را بوجود بیاورند. ما در ایران طبقات اجتماعی و قدرت به شکل اروپا نداریم. ما ثروتمند داریم ولی ثروتمندها سیستم نیستند. در اروپا سرمایه دارها سیستمی قوی اند، شکل دارند، پس آنچه را که می ماند و ما برای تضمین دمکراسی نیاز داریم تقسیم سیاسی و سیاسی اداری در ایران است که با توجه به تاریخ دو سه هزار ساله جنگی بوده بین تمرکز و و عدم تمرکز از زمانی که داریوش هخامنشی در ایران کتیبهٔ بیستون نشان داده و همه به اصطلاح قدرت های داخلی را از بین برده و خفه کرده منقاد خودش کرده از همان زمان جدل هست ، بنا براین جانمایه تاریخ ایران جدلی است بین تمرکز و عدم تمرکز که عدم تمرکز نتیجه اش از نظر ما به این شکل است که دمکراسی با توجه به تاریخ ایران و با توجه به گذشته ای که ما داریم و داشتیم هم می شه همه قدرت ها همه اختیارات دست یك قدرتی بوده به نام شاه و اطرافیانش و باقی مردم بدون حق و بدون هیچ تضمینی. بنا بر این ما معتقدیم بهترین راه برای آینده ایران ، برای آلترناتیوی که بوجود بیاید این است که سیستمی را پیشنهاد بکند که این سیستم نتیجه اش ایجاد یك پایگاه دمکراسی باشد برای دولت یك سیستم تضمین دمکراسی بوجود آورد و این زمانی بدست می آید که در مملکت ما ایران و در شرایط ما جز با تقسیم قدرت سیاسی و اداری امکان پذیر نیست ، چرا ؟ برای اینکه در ایران عاملی که بتواند سیستم بسازد یعنی اقتصاد و طبقات اجتماعی ما آن را نداریم . اما این مسئلهٔ تقسیم قدرت اداری سیاسی را اولا مسئلهٔ اصلی و جانمایه تاریخ ماست آشنا هستیم و در چندین دوره همین عدم تمرکز بوده وقدرت خیلی زیادی هم داشته در تاریخ ایران برای نمونه اشکانی ها، مثل مادها و یا مثل دورهٔ سلجوق ها. ما آلترناتیو ایران را آن آلترناتیوی می دانیم که مسئلهٔ ایجاد یك سیستم دمکراسی را در سرلوحهٔ برنامه اش قرار بدهد و آن سیستم دمکراسی از نظر ما با توجه به شرایط جامعهٔ ایران فقط می تواند تقسیم سیاسی اداری قدرت باشد بین مناطق و بخش ها و معتقدیم که این سیستم تقسیم بندی کنونی کشور سیستمی است برای ادامهٔ استبداد و خفقان. مبنای تقسیم بندی کشوری می تواند بر اساس مبانی ملی، قومی، جغرافیائی و مبانی دیگر باشد. مثلا فرض کنید در آذربایجان، ترکمنستان، در کردستان و بلوچستان، حتی در خوزستانانیها میتوانند مسائل قومی و ملی داشته باشند، ولی مثلا در اصفهان ، فارس یا کرمان مسائل قومی ممکن است نباشد ولی مسائل منطقه ای، مسائل فرهنگی، مسائل دیگر را دارد. اساس این است که تمرکز که همیشه مایهٔ استبداد بوده، محدود و کنترل بشود و راه کنترل و محدودیت تمرکز هم وجود قدرت ها و اوتونوم هایی است در

www.iran-archive.com

اجتماع. برنامهٔ حزب ما این است که می گوئیم که حکومت مرکزی در آینده فقط می تواند حقوقی را داشته باشد که برای حکومت مرکزی بودن لازم است از قبیل: ارتش که فقط برای حفظ مرزهاست، چاپ اسکناس و سیاست های مالی، روابط سیاسی و اقتصادی خارجی که اینها اختیارات خاص حکومت مرکزی است . مسائل دیگر برمی گردد به این ایالت ها، و بخش ها و یا ایالت های خودمختار و یا فدرال و قدرت ها که بایستی تقسیم شود در این واحد های قومی و ملی که طبیعی است کارهایشان را با حکومت مرکزی هماهنگ می کند و اما بایستی خودشان مجلس محلی، حکومت محلی دارند. این نیست که دیگر از تهران همه چیز تکلیف بشود. بنظر ما این امر می تواند در ایران یك سیستم دمکراتیك بوجود بیاورد و چیزی است که با توجه به به تاریخ و تکامل جامعه امکان پذیر است. متاسفانه ما به جز مثلا همین دوستان ترکمنمان یا کاهی بلوچ یا بعضی دیگر به ندرت از دیگران شنیده ایم که بحث از یك سیستم بکنند برای دمکراسی، ولی همهٔ واژه ها را بکار می برند مردم سالار، جامعه مدنی، شهروندی، عرض بکنم به شما دمکراسی، سکولاریسم بودن تمام اینها درست . ولی اینها باید یك قدرت تضمینی داشته باشند و بشود اینها را اجرا کرد. آن قدرت تضمینی باید نهادهائی باشد که در آن اجتماع ریشهٔ تاریخی و فرهنگی عمیقی دارند و باید آنها را ساخت برای اینکه پایه دارند و اینکه تصور بکنیم خودمان می توانیم پایه و اساس تضمین دمکراسی باشیم که متاسفانه این فکر ۹۵ درصد از اپوزسیون ایرانی چه در داخل وچه در خارج همه معتقدند خودشان و سازمانشان تضمین کننده و کنترل کننده و بوجود آورنده دمکراسی هستند در حالتی که چنین نیست. اگر جسارت نکرده باشم پشت تمام این عقاند یك ولی فقیه با یك عمامه بسیار بزرگ نشسته و هیچ ربطی هم به مسئله دمکراسی نداره.

ایل گون : نقش اقلیت های ملی را در پیشبرد جنبش دموکراسی برای ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟ رابطهٔ مسائل ملی با استقرار دموکراسی در ایران را چگونه می بینید ؟

کریمی : بنظر ما جان مایهٔ بوجود آوردن یك سیستم دمکراسی اقلیت های ملی و قومی هستند. و همین اقلیت های ملی و قومی هستند که اساسی ترین نقش را در ایجاد یك سیستم دمکراتیك دارند و ما می توانیم با یك چنین اپوزسیون تجمع و تشکلی بوجود بیاوریم و با کمك برادران مثل بلوچ ، ترکمن، آذری، خوزستانی و حتی بعضی از مناطق فارس نشین.

جان مایهٔ آلترناتیوی که ما می خواهیم اقلیت های قومی و ملی هستند و آنها می توانند با توجه به تکامل و وضعیت تاریخ ایران پایه های تقسیم قدرتی باشند که هم تضمین بکند و هم کنترل بکند. و اگر از دمکراسی و پارلمان و تعدد احزاب می گویند بدون قید اینکه نیروی اجتماعی که می خواهد این سیستم پیشنهادی ایشان را حفظ بکند چی هست ، من تصور می کنم راه بجائی نمی برد.

در داخل کشور آن جنبش عظیم دانشجوئی ، آن ۲۰ میلیون آدمی که زیر ۲۰ تا۲۰ سال هستند آنها هم درست متاسفانه همین را می گویند. از دمکراسی و آزادی و غیره سخن می گویند بدون اینکه ببینند چه پشتوانه در پشتش هست. پس مسئلهٔ ما این است که سیستم دمکراسی با تضمین و ایجاد سیستم دمکراسی ای باشد که پایه هایش در آن اجتماع در تاریخ و فرهنگ آن اجتماع وجود داشته باشد و تلاش ما نیز این است که هر چه بیشتر بتوانیم هم در خارج و هم مخصوصا در داخل این تفکر را نشر و رواج بدهیم که لااقل این دانشجویان مثلا فرض کنید از کسی مثل آقای طبرزدی یا همین گنجی بپرسند، آقا این دمکراسی که شما می گوئید چه قدرت اجتماعی پشتش را حفظ می کنه؟ آنها از کل مردم صحبت می کنند. بایستی همین "کل مردم" خواستشان را در تشکل و سازمانی بیان کنند که بایستی این خواستشان که قدرتشان هست تبدیل بشود به یك وسیله و ابزاری که قدرت را در دست داشته باشند و حکومت مرکزی آن را سرکوب و نابود نسازد. اینها مسائلی است که ما بدنبال آن هستیم و اینها از خصوصیات آن آلترناتیوی است که ما در پی ایجاد آن هستیم. و این می تواند با کمك اقلیت های برادر یا اقوام و ملیت های برادری مثل بلوچ، ترکمن، آذری و خوزستانی و غیره شکل یابد.

www.iran-archive.com

اخبـــــار ترکمنصحرا و منطـــقه

ترکمنصحرا در مجلس جمهوری اسلامی ایران نماینده ندارد

ترکمن های ایران با جمعیتی بالغ بر ۳ میلیون نفر نماینده ای در مجلس ندارند. در انتخابات ششم که اولین بار دو نمایندهٔ ترکمن موفق شدند به مجلس راه یابند متاسفانه در پی حادثهٔ سقوط هواپیمائی جان خود را از دست دادند. پس از این سانحه الهه کولائی نماینده مجلس و عضو کمسیون امنیت ملی و سیاست خارجی کشور در شهر گرگان سخنرانی کرده و می گوید که نمایندگان معینی برای پیگیری امور گلستان انتخاب خواهندشد. هنوز زمان دقیقی برای انتخاب این نمایندگان و اینکه چه کسانی بجای نمایندگان ترکمنصحرا انتخاب خواهند شد مشخص نیست. بنا به گفتهٔ این نماینده مجلس نمایندگان انتخابی تا انتخابات میاندوره ای در استان پی گیری امور این استان را بر عهده خواهند گرفت. بنا به گفتهٔ ایشان مطابق قانون یک نماینده وظیفه دارد به مشکلات تمامی مناطق کشور رسیدگی کند.

بنا به گفتهٔ ایشان هیاتی از مجلس شورای اسلامی به روسیه اعزام شد تا سقوط هواپیما را از نزدیک مورد بررسی قرار دهد و گزارش خود را برای روشن ساختن اذهان عمومی و بخصوص اهالی مردم گلستان منتشر کند. بنا به گفتهٔ این مقام بلند پایه جمهوری اسلامی ایران بیش از ۳۰ احتمال برای سقوط هواپیما وجود دارد که خطای انسانی بیش از احتمالات اعلام شده است.

قهرمانی تیم والیبال ترکمنصحرا در خارج از کشور

تیم والیبال نئوپان گنبد در مسابقات بین المللی جام عبدالله مبارک کویت به همراه تیم های منتخب کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، پاکستان، بوسنی شرکت کرد و مقام سوم را به دست آورد. تیم والیبال ترکمنصحرا که زمانی بازیکنانش در تیم ملی ایران بازی می کردند بنا به سیاست های نادرست تربیت بدنی شهر گنبد و مناطق دیگر از کارآئی سابق برخوردار نبود اکنون بازهم در میان تیم های بزرگ آسیا درخشید و در پی بازیهای پرشور با بدست آوردن ٦ امتیاز به مقام سوم دست یافت. تیم ترکمنصحرا که به عنوان تیم کشور ایران عازم کویت شده بود در مقابل تیم های بوسنی و کویت به پیروزی رسید. مراسم پایانی این رقابت ها با حضور مقامات بلندپایهٔ کویت و مقام های ورزشی و دهها تن از ایرانیان مقیم کویت که تیم ترکمنصحرا را با شور و هیجان تشویق می کردند به پایان رسید.

نامهٔ فرمانداران کردستان به خاتمی

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار خبری در مورد اقدام دسته جمعی برخی از مسئولین شهرهای کردنشین را چاپ کرده است که ما بنا به اهمیت این امر (چونکه از طرفی استقبال سرد مردم از انتخابات ریاست جمهوری اخیر و از طرفی نیز انعکاس نیافتن اخبار مربوط به مناطق ملی در خبرگزاری رسمی کشور از جمله

www.iran-archive.com

نامهٔ روشنفکران ترک به خاتمی) در اینجا می آوریم:

ایرنا - هفته نامه محلی "سیروان" چاپ سنندج، مرکز استان کردستان، عنوان اصلی جدیدترین شمارهٔ خود را به نامهٔ فرمانداران کردستان در مورد ضرورت توجه دولت به کردستان اختصاص داد. این نشریه زیر این عنوان نوشت ، فرمانداران هشت شهرستان استان کردستان در نامه ای برای آقای خاتمی رئیس جمهور ارسال کردند، از وی خواستند که با بکارگیری نیروهای کرد در عرصه های مدیریت کشور اعتماد سیاسی خود را به مردم این منطقه بروز دهند. سیروان به نقل از این نامه می نویسد، احترام به مذهب اهل سنت و به کارگیری درست نیروهای روحانی و همچنین انجام کارهای عمرانی قابل توجه در منطقه ، به نهادینه شدن اصلاحات در مناطق کردنشین کمک می کند. این هفته نامه از قول این نامه می افزاید ، سیاست راهبردی نظام در استان کردستان می بایست بر محور برنامه ریزی اصولی و عملی در راستای جلب اعتماد مردم بویژه اعتماد سیاسی ، پیشرفت برنامه های اصلاحات و تجربهٔ کافی مدیران باشد. سیروان ، یک نشریهٔ فرهنگی ، اجتماعی است که به دو زبان کردی و فارسی در مناطق کردنشین ایران توزیع می شود.

اختلافات باکو و تهران

به دنبال بروز اختلاف میان باکو و تهران همدیگر آغاز شده است. روزنامه های چاپ باکو با چاپ تصاویر اسکانس های تقلبی آذربایجان جمهوری اسلامی ایران را متهم کرده بودند که دست به چاپ اسکناس های تقلبی آذربایجان زده است. دایرهٔ اطلاعات وزارت امنیت آذربایجان اعلام کرده بود که این اسکناس ها احتمالاً در ماکو و تبریز چاپ شده اند. اخیراً نیز یک رزمناو ایرانی به دو کشتی حفاری که در آب های جنوبی این دریا برای اکتشافات نفت فعالیت می کردند هشدار داد که منطقه را ترک کنند و این کشتی ها بلافاصله به باکو بازگشتند. خبر این رویداد و خبر نقض حریم هوائی آذربایجان از طرف ایران یکی از مهمترین اخبار روز بود. واکنش ها و بازتاب های زیادی را به همراه داشت.

محسن رضائی ، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران در مصاحبه ای با خبرگزاری ایسنا می گوید: کشور آذربایجان یکی از ایالات تبلیغات شدیدی در هر دو کشور علیه ایران بود . قریب صد و پنجاه سال پیش ، در حملهٔ روسیه ، این منطقه از ایران جدا شد ، حال که مردم عزیز آنجا از زیر ستم کمونیست ها نجات پیدا کرده اند ، حاکمان آنجا باید به نحوی آنجا را اداره کنند که مردم ایران بازگشت آذربایجان را به سرزمین مادری مطالبه نکنند. ممکن است روزی ملت بزرگ ایران خواهان بازگشت سرزمین از دست رفته خود شوند."

بدنبال اوج این تحرکات چند فروند هواپیمای اسکادران "ستاره های ترک" ترکیه وارد باکو شدند و دست به پروازهای آزمایشی زدند. این اسکادران شامل ۱۰ فروند اف ۵ است. رئیس ستاد کل ارتش ترکیه نیز به باکو سفر کرده تا در نخستین مراسم دورهٔ فارغ التحصیلی دانشجویان آموزشگاه عالی نظامی جمهوری آذربایجان شرکت کند. همزمان با برگزاری این مراسم هماوپیماهای ترک نیز دست به انجام مانور زدند. بنا به گزارش ایرنا تهران این اقدام ترکیه را دخالت در امور داخلی دیگر کشورها تلقی کرده است.

بیماری ویروسی در میان فک های دریای خزر

دکتر هرمز اسدی عضو اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت گفت، بر اساس تحقیقات انجام شده در مرگ و میر فک های دریائی علاوه بر آلاینده های زیست محیطی ، عوامل دیگری نیز وجود دارد که مهمترین آنها پیدایش بیماری ویروسی از خانواده های هاری و طاعون است. این ویروس روی سیستم عصبی این موجود اثر جدی بر جای می گذارد. وی همچنین صید بیش از حد ماهی کیلکا توسط نوعی آبزی بنام شانه دار

بقیه در صفحهٔ 10

www.iran-archive.com

کشته و زخمی شدن ٤ جوان ترکمن در مرز یونان و ترکیه

چهار جوان ترکمن جویای کار که از ترکیه بطور غیرقانونی عازم یونان بودند، در مرز یونان بر اثر انفجار مین کشته و زخمی شدند.

در این حادثه تلخ عبدالحمید قرنجیك و عبدالشریف اکبری اهل گنبد و مجید اندروا اهل روستای ملك آلی دپه کشته و عیدنفس صمدی زاده اهل روستای ملك آلی دپه از ناحیه پا بشدت زخمی شده است. قربانیان این حادثه همگی ۲٤ ساله و حدود یکسال در کارگاه های استانبول ترکیه مشغول به کار بوده اند که برای پیدا کردن شغلی بهتر عازم یونان بودند. با گذشت بیش از دو ماه از این واقعه هنوز هم اجساد قربانیان و جوان مجروح در یکی از بیمارستانهای نظامی یونان نگهداری می شوند.

بایرام نفس قوللرعطا برادر بزرگتر عیدنفس صمدی زاده در این رابطه گفت: برادرم پس از پایان خدمت سربازی به علت نبود شغل در منطقه مدتی در کارگاههای پلاستیك سازی تهران کار کرد و سپس به ترکیه رفت.

حال بی بی قوللرعطا مادر عید نفس نیز گفت: پدر عیدنفس ۵۸ ساله و بیکار بوده و ۹ سر عائله دارد. با این وجود راضی به دوری فرزندم از شهر و دیارش نبودم و بارها از او خواسته بودم برای کار به خارج از کشور نرود. ولی عیدنفس برای کمك به خانواده اش دوریها و سختیها را به جان خرید تا در تأمین معاش خانواده، پدرش را کمك کند. وی گفت: تاکنون هیچ مسئول رسمی در خصوص اتفاق مرز یونان با ما تماس نگرفته و تنها از طریق تلفن عیدنفس از ماجرا مطلع شدیم.

عبدالمجید اکبری پدر عبدالشریف اظهار داشت: علیرغم مشکل بودن تحمل دوری فرزندم، به علت احتیاج مبرم به درآمد عبدالشریف مانع خروج پسرم از ایران نشدم. عبدالشریف بیش از یکسال در ترکیه کار کرد و این اواخر به دلیل بروز بحران اقتصادی در ترکیه و تعطیلی کارخانه چرخ خیاطی که پسرم در آن کار میکرد، به اتفاق ۳ جوان گنبدی تصمیم می گیرند برای یافتن کار بهتر به یونان بروند. وی افزود: ۲ هفته پس از وقوع حادثه بواسطه تلفن صمدی زاده که در این جریان زخمی شده بود، از موضوع آگاه شدیم. برای انتقال جسد فرزندم به سفارت یونان و به وزارت امور خارجه رفتم. در آنجا برای این امر درخواست ۱٫۲۰۰٫۰۰۰ تومان پول نقدی کردند.

عبدالمجید اکبری که آثار درد در چهره اش بخوبی نمایان بود، ادامه داد: فراهم کردن این وجه برای خانواد مستضعف غیرممکن است. به همین دلیل طی استشهادیه ای که به تأیید علمای دینی و ائمه جمعه گنبد رسید از دفتر مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری درخواست کمك نمودم ولی با وجود قولهای دفاتر رهبری و ریاست جمهوری هنوز اقدام عملی صورت نگرفته است!

خانواده قرنجیك نیز در خانه ای محقر در یکی از مناطق مستضعف نشین گنبد در انتظار رسیدن جسد جوان ناکام خود به سر می برند.

قربانردی قرنجیك پدر عبد الحمید نیز گفت: خانواده من تحت پوشش کمیته امدادخمینی است و به علت کهولت سن قادر به کار نیستم. ۲ پسرم عبدالرحمان و عبدالحمید جهت کمك به معیشت خانواده برای کار به ترکیه رفتند و تنها ممر درآمد خانواده ۷ نفری ما کار عبدالرحمان و عبدالحمید بود. وی افزود: از طریق تلفن فرد زخمی شده از جریان باخبر شدیم و با تأیید کمیته امداد گنبد برای پیگیری به تهران رفتیم. در سفارت یونان و وزارت خارجه کسی به کار ما رسیدگی نکرد و گفتند تنها راه کار پرداخت ۱٫۲۰۰٫۰۰۰ تومان پول نقد است. مبلغی که من از تهیه آن عاجز هستم.

در روستای ملك آلی دپه مادر مجید اندروا هنوز در انتظار بازگشت فرزند خود است. وی میگوید: خیلی اصرار کردم پسرم به یونان نرود ولی او گفت در یونان کار بهتر با درآمد بهتر پیدا خواهد کرد تا علاوه بر تأمین خانواده ۱۰ نفری خود برای برادر فلج خود پای مصنوعی تهیه کند. او افزود: مجید تنها نان آور خانه ام است و شنیدم در یونان زخمی شده و برای آوردن او باید ۱ ۲۰۰ ۰۰۰ تومان پول به دولت بدهیم. من خود تحت پوشش کمیته امداد هستم و به هیچ وجه

بقیه در صفحه بعد

www.iran-archive.com

سوء قصد به جان معاون شهردار گنبد!

عصر پنجشنبه ۲۱ تیر ۱۳۸۰ ابراهیم چوپانی معاون شهردار گنبد با چاقو مورد حمله چند مهاجم قرار گرفت و از چند ناحیه دست و ران پا به شدت مجروح و دچار خونریزی شدید گردید که سریعا در بیمارستان بستری و با تلاش پزشکان از یك خطر حتمی جانی نجات یافت. بعد از سپری شدن یك هفته از این حادثه و متواری شدن مهاجمان مذکور، تاکنون کوچکترین از آنان پیدا نشده است.

در این مورد چوپانی از سهل انگاری و تعلل بیش از حد مسئولین تأمین امنیت شهر گنبد در دستگیری ضاربین و نیز بی توجهی اعضای شورای شهر گنبد به این مسئله انتقاد کرده و گفت: چرا مسئولان مربوطه شهر ما از کنار این حادثه دردناك به سادگی می گذرند و برای دستگیری آن مهاجمان خطرناك و جانی از خود سرعت عمل نشان نمی دهند؟!! اگر من بعنوان معاون یك سازمان مهم و معتبر در روز روشن، امنیت جانی نداشته باشم پس در این شهر فراموش شده برای چه کسی امنیت وجود دارد؟!!

مراسم بزرگداشت دولت محمد آزادی و مختومقلی فراغی در گرکز جرگلان

مراسم بزرگداشت شاعران بزرگ ترکمن مختومقلی فراغی پدر ادبیات ترکمن و دولت محمد آزادی عالم نامی و پدر مختومقلی فراغی برای اولین بار در گرکز جرگلان برگزارشد.

چهارم خرداد در تاریخ ترکمن صحرا ثبت خواهد شد، چرا که این اولین بار است که نوادگان دولت محمد آزادی در ایران بین ایل خود مراسم باشکوهی درخور آن بزرگوار برگزار می کنند.

در این مراسم فرهنگی انبوه کثیری از دوستداران شاعران و قلم بدستان و شاعران منطقه و مقامات سیاسی و فرهنگی شهرستان بجنورد نیز حضور داشتند. فرماندار بجنورد و بخشدار جرگلان در این مراسم سخنانی در باب سروده های عارفان ایراد کردند و خواستار برپایی چنین مراسمی در سالهای آینده در آن منطقه شدند. ابتدای مراسم حاج ایشان محمدی یکی از نوادگان دولت محمد آزادی ضمن عرض خیر مقدم به حضار گفتند: این حرکت اولین بار در منطقه صورت میگیرد و امیدوارم باقی کار را دست اندکاران و دوستداران مختومقلی و دولت محمد آزادی پیگیر باشند تا مراسمی درخور آن ادیبان مشرق زمین در بین ایل و تبار خود صورت گیرد

ادامه از صفحه قبل

کشته و زخمی شدن ...

قادر به تهیه این مبلغ نیستم و از دولت میخواهم کاری برای من بکند و فرزندم را به من بازگرداند.

محمد اندروا برادر بزرگتر مجید که معلول و فاقد یك پا میباشد گفت: هنوز جرأت نکردم جریان کشته شدن برادرم را به مادرم بگویم و او فکر می کند مجید نیز مثل عیدنفس صمدی زاده دوست مجید که آنها هم در روستای ما ساکن هستند، زخمی شده است. وی افزود: پس از تماس صمدی زاده با گرفتن تأییده از کمیته امداد به وزارت امور خارجه رفتیم. آقای امامی و خانم غروزی از مسئولین وزارت خارجه گفتند برای انتقال جسد برادرم باید ۱،۲۰۰،۰۰۰ تومان به حساب دولت بریزیم. هرچه اصرار کردم ما مستضعف و تحت پوشش کمیته امداد هستیم و خودم نیز معلول و از کارافتاده، گوش کسی بدهکار نبود و دست خالی برگشتیم. برای بار دوم که پسر خاله ام را فرستادم که به بهانه فامیل درجه اول نبودن با برخوردی بسیار تند و زننده از سفارت بیرون انداخته اند.

محمد اندروا گفت: اگر نمایندگان مجلس استان گلستان بخصوص شهید اترك طیار زنده بود بطور حتم مشکل این ٤ خانواده تاکنون حل شده بود.

روزنامه ایران وقوع حادثه را ۱۶ فروردین ۸۰ و روزنامه انتخاب آنرا ۸۰/۲/۲۱ ذکر کرده است.

www.iran-archive.com

Tapmaçalar:

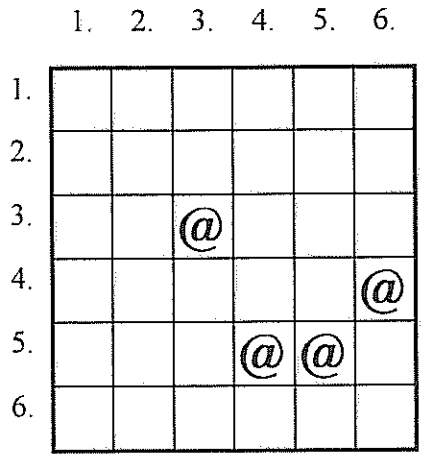

Kese:

1- Çendenaşa, hetdenaşa, çaky bolmadyk.

2- „...“nyñ ýüki galmaz, ýola çyksañ ner biläni.

3- Müñ meter (gysga görnüşde).

- Ösümlik, gök hem-de ýüp, sargy.

4- Ädim, gerim.

5-Daş-töweregini suw gurşap alan gury ýer bölegi.

6- Jeññeliñ turşy narynyñ guradylyp, nahara atylýan däneleri.

Dik:

1- Tiz we çalt hereket edip bilýän.

2- Işläp ýören adama aýdylýan söz.

3- Müñ watt (gysga görnüşde).

- Giñ däl.

4- Tur gaýt oglan, „...“ boldy.

5- Ynanç, ygtybar.

6- Gara garga.

- Gürrüñ boý hakda däl.

IL-GÜN 18

	1.	2.	3.	4.	5.
1.	Ö	K	Ü	N	Ç
2.	R	@	S	@	E
3.	K	Ö	T	E	L
4.	Ü	@	Ü	@	G
5.	Ç	E	N	L	I

ادامه از صفحهٔ ۲٤

بیماری ویروسی...

ژله ای گرسنگی فک ها و گرفتار شدن آنها در تورهای صیادی را از دیگر عوامل کاهش نسل این آبزیان عنوان کرده است.

بنا به گفتهٔ این محقق در کالبدشکافی های انجام شده از ۲۰ قلاده فک مرده در سواحل گیلان در سال گذشته مشخص شد که اکثر فک های مرده دارای مشخصات آسیب شناسی و آلودگی های مختلفی از جمله انگل دستگاه گوارش با تراکم بالا و علایم بیماری های عفونی و حتی باکتریائی بوده اند.

وی از مسئولان امور بهداشت خواست تا نسبت به جمع آوری و دفن فک ها ی مرده در سواحل استان خزر اقدام نماید تا از انتقال ویروس های عفونی به انسان جلوگیری شود.

آخرین آمار اعلام شده در مورد فک های دریای خزر توسط روسها در سال ۱۹۹۰ انجام شده و در حدود ۳۰۰ قلاده برآورد شده و اتحادیهٔ بین المللی حفاظت از طبیعت فک دریائی را حیوانی تهدید شده عنوان کرده است. فک دریائی تنها گونه پستاندار دریای خزر است که نقش مهمی در برقراری توازن جمعیت گونه های ماهی و تعادل اکولوژیک دریای خزر دارد. این گونه آبزی تحت حمایت محیط زیست می باشد. از سال گذشته تاکنون حدود ۴۰ لاشهٔ فک دریای خزر در سواحل جنوبی این دریا مشاهده شده است.

www.iran-archive.com

Kitap dünýäsinde

-Kitabyñ ady:

Maschinelle Verarbeitung des Turkmenischen

-Ýazan:Majid Amanzadeh

-Çap:Ibidem- Verlag (Stuttgart)

Bu kitap hormatly ildeşimiz, Dr. Mejid Amanzadanyñ Bielefeld universitätinde okan ugruna degişli, Doktor işi hökmünde, tabşyran ýazgysydyr.

Bu işiñ ylmy bahasy Turkologie, Informatik, Linguistik (Computer- Linguistik) ugurlarda at gazanan Professorlar tarapyndan barlanyp, tassyklanypdyr.

Bu iş 10 bölümden ybarat bolup, esasan şeýle häsiýetlere eýedir:

*Türkmen grammatikasynyñ alman dilinde ilkinji systematik ýygyndysy.

*Indoeuropa(alman, iñlis) diller bilen agglutinatiw(türk, finn, japan, korea) dilleriñ giñişleýin deñemesi.

*Agglutinatiw diller ugrunda (japan dilinden başga) ilkinji döredilen computer dil saýgaryşy.

Kitabyñ bölümlerine gysga seretsek:

-Girişde bu işiñ maksady we ýolda öñe çykan çylşyrymlar hakda gürrüñ berilýär.

-Ikinji bölümde türk diller içinde, türkmen diline gysga seredilýär.

-Üçünji bölümde çekimli we çekimsiz seslere we olaryñ bir-birine ýetiryän täsirlerine bakylýar.

-Dördünji bölümde türkmen diliniñ morfologiýasy giñden açyklaşdyrylýar.

-Bäşinji bölüm türkmen sözleminiñ düzülişi we sözlem içindäki söz düzümleri (syntaksy) barada geçýär.

-Altynjy bölümden başlap, türkmen diliniñ formal (gysgaltmalar, symbollar, alamatlar, çelgiler bilen görkezilýän we ýazylýan) grammatikasyna girişilýär.

Biz hormatly ildeşimiz Dr. Mejid Amanzada sag bolsun aýdyp, işlerinde uly üstünlikler gazanmagyny arzuw edýäris.

Majid Amanzadeh

Maschinelle Verarbeitung des Turkmenischen

---

www.iran-archive.com

bolup, örän uzak wagtdan üýtgeýär. Şonuñ üçin hem „oguz<guz<goz“sözi bize belli bolan üç müñ ýyl dowamynda gaty az degişipdir. Oguz illeriniñ ady „Orhun-Ýeniseý“ ýazgylarynda-da geçýär. Bu at ýokarda görşümiz ýaly i.ö. 8-7-nji asyrlarda Asur şasy „Eserhedun“yñ döwrüne degişli ýazgylarda-da şol görnüşinde ýazylypdyr. Diýmek, il ady bolan „iş guz“ sözüniñ manysy aýdyñdyr. Ol iki sany tüýs türki söz bolan „iç„ we „oguz“ sözlerinden ýüze çykan goşma söz bolup, indogerman dilleri bilen hiç hili gatnaşygy ýokdur.

Gürrüñini edilýän döwürde ýagny i.ö. 8-7-nji asyrlarda, Ýakyn-Gündogar ýurtlarynyñ syýasy ýaşaýşyna güýçli täsir eden „işguz-iskit“ illeriniñ ady, olaryñ türkligini subut edýän ýeke täk delil däldir. Olar Herodotyñ örän dogry görkezişi ýaly, Orta-Asiýadan gelme hem-de türki halklara degişli ekenler. Işguzlaryñ i.ö. 673-nji ýylda ölen şalarynyñ ýa-da baştutanlarynyñ ady bolan „işpaka-ispaka“ sözi hem iki sany arassa türk sözünden ýüze çykypdyr: oguz, garlyk hem gypjak dillerinde ite umuman köpek diýilýär, emma öýdäki ite: 1-“is pak“ (ysa bak, ysa bakan), 2-„is bas“ (ysa bas, ysa git, ysy yzarla, ys yzarlan) diýip at beripdirler. Bu iki söz zamanyñ geçmegi bilen „öý iti“ manysynda işlenip biri-biri bilen badaşypdyr. Başdaky „i“ sesiniñ düşmegi bilen „sabak“ görnüşinde ors diline hem-de soñky „k“ sesiniñ düşmegi bilen „spa-a“ görnüşinde bolsa „Äwesta“ kitabyna giripdir (Uljas Süleýman, Aziýa, s.253-54).

Saklaryñ ýolbaşçylarynyñ ýene biri-de Isgender zamanynda Orta-Aziýada ýaşan hem-de Isgender bilen söweşen sak-işguz illeriniñ şasynyñ dogany „Kartasis“ bolupdyr. Meşhur taryhçy Goldşmit Orta-Aziýa saklarynyñ alyp baran uruşlaryndan gürrüñ edende:“ Syrderýanyñ gündogarynda saklaryñ komandiry, umumy Orta-Aziýa saklarynyñ baş tutanynyñ dogany bolan „Kartasis“iñ ady „Gardaş„ bilen bir söz bolup, Ýunan dilinde „ş„ sesi bolmany üçin „işguz“ sözünde bolşy ýaly, olaryñ taryhçylarynyñ tarapyndan „Kartas“ görnüşinde ýazylypdyr“ diýip belleýär. (Reisniýa, birinji tom, s.259)>>

Bellikler: Prof. M. Zehtaby „ Iran türklerinin eski taryhy“

Ikinji temanyñ soñy

www.iran-archive.com

„BEÝIK PARFIÝA TARYHYNA GIRIŞ„

-"Parfiýa döwletini guran ata-babalarymyz" (Parlar-Dazlar) atly kitabyndan gysga bölekler.

Ýazan:**Begmyrat Gereý**

Ikinji tema: Saklar(Iskitler)

Üçünji bölek,

E-temados-sältänäniň bu sözlerinden belli bolşuna görä, birinjiden saklaryň Orta-Aziýadan gelme, asly bolsa Turanly bolupdyr. Ikinjiden bolsa bu sak ili ýa-da iller birleşiginiň belli gollary, Hazaryň demirgazygyndan, Derbendiň ýoly bilen demirgazyk we günorta Azerbeýjana hem-de günorta Anadola gelipdir, olaryň ýene-de bir bölegi bolsa Mary we Balh tarapdan günortalygyna göçüp häzirki Owganystanyň günbatary hem Eýranyň gündogarynda, häzirki Sistanda ýerleşipdirler. Galan topary bolsa, Ata-watanlary bolan Orta-Aziýada galypdyrlar...>>(1)

...<<Indi, göreliň bu „işguz" ýa „is-kit" sözüniň köki we manysy nämekä? Asury çeşmelerde görülşine görä, olar bilen söweşen iskitleriň baştutanynyň ady „Işpaka= Ispaka bolupdyr. Diýmek, asury çeşmeleri hem „işguz" hem-de „Işpaka" atlary aç-açan görkezýär. Azerbeýjan hem bütin türk dünýäsiniň iň möhüm dessany hem-de taryhy çeşmeleriniň biri bolan Däde Korkut (Korkut Ata) dessanynda işguz (iç oguz) kowum we illeriniň ady aýdyň suratda görkezilipdir. Uly klassik türk dilçisi (linguisti) Mahmyt Kaşgarly özüniň „Diwanol-logat-et-türk" atly eserinde oguz illeriniň 22 goly hem-de olaryň tamgalaryny (tagmalaryny, belgileri) ap-açyk görkezipdir. Korkut Ata dessanynda oguzlaryň aýry-aýry gollary gadym zamanlarda iki topara bölünipdir: 1-"iç oguz" ýa „iş oguz", şu gün hem azerbeýjanlylar gepleşik dilinde „ç„ sesini „ş„ sesine öwürýärler. Mysal üçin üç=üş, gaç=gaş w.ş. m. 2- Taş oguz (daş oguz) ýagny daşky oguz. Iň gadym döwürlerde oguzlaryň adyna „guz" hem diýipdirler, ýagny başdaky „o" sesi galdyrylypdyr. Gadym arap we pars çeşmelerinde oguz sözi köp ýerde „goz" görnüşinde ýagny arap ýazuw kadalaryna uýgun şekilde ýazylypdyr. Ýokarda görşümiz ýaly, asury çeşmelerde bu söz „guz" görnüşinde ýazylypdyr, mysal üçin „iş guz" sözünde. Bu ýagdaý örän tebigydyr. Ýagny „iç oguz" sözi dürli dillerde köp işlenmegiň netijesinde „işguz" görnüşine (şekline) üýtgäpdir. Türk dili iltisaky (Agglutinativ) bolany üçin, onuň sözleriniň ses gurumy gaty durnukly

www.iran-archive.com

sanyna-da ýetmeýär. Daşarda ýaşap ýörän türkmenleriň ýagdaýy hem şondan gowy däl. Menmenlik, ýa-da gara garyn olary özlerine ynanmakdan, kimliginiň ugruna çykmakdan saklap, özlerinden we bir-birlerinden daşlaşdyrýar. Kimliginiň tapmak başgalardan özüňi ýokary tutmak ýa-da öwünmek däl-de, başga milletler bilen deň hukukly bolmak düşünje we añ bolsa, häzirki zaman şertlerine jebis gelip ynsan hukuklar germine girip we sag düşünjä mynasyp bolar. Jemgiýetde dürli diller, däp-dessurlar we her bir halkyň öz boluşlylygy, hilhillilik oña bir baýlyk we estetik garaýşyndan gözellikdir. Eger-de bular birbirine düşünip, bir-birini depeläp ezmeseler. Ezilmejek, depelenmejek ýitip gitmejek bolsaň, ilki özüňi tanamaly, soňra bolsa başgalara tanatmaly, ykrar etdirmeli. Eýran türkmen inteligentleri hem oýanjak bolsalar oýanarça boldular. Information döwründe özümizi bilmezlige urup gezip ýörsek ýa-da milli bähbidimiz üçin iňňäň ujy ýaly maddy bähbidimizden geçmesek, geljekde ýitip gitsek gyn görmelidäl. Öz ekenimizi özümiz orarys.

Ýaz

****

Biziň Öýmüze

Ezizim!
Biziň öýmüze
adamlar geler
Ýaş ýürekliler,
aç ýürekliler
Ullakan ruhlar,
erkana janlar
Azat ynsanlar,
Bu dünýäň ownujak
gürrüňlerinden
ýadanlar geler

Ezizim!
Biziň öýmüze
Mähriban bälçikler,
alçaklar geler
Gözelligi gerşe
aljaklar geler
Geler olar aryp
küýden, pikirden
Kanagata
çiňerlibän garanlar
Biziň söken ýollarmyza
ýaranlar
galjañlar, galjañlar
galjañlar geler
Biziň öýmüze
ägirt ädimleri
ädenler geler.

Ybrahym Badahşan
Goşgular ýygyndysy
„Gijeler“

www.iran-archive.com

Esasy garşylyk Eýranyñ „Esasy kanun“ynda ýatyr.

Türkmenistan türkmenleri 20-nji asryñ soñlarynda özbaşdak döwlete eýe bolup, täze döwrana aýak goýdular. 21-nji asyrda gurlan döwlet, häzirki şertlere we döwletler-milletler aragatnaşygynda bolan düzgünler arkaly ebedi döwlet bolup hem galyp biler. Munuñ özi esasan umum türkmenlere uly bagt we arkadyr. Türkmen döwletiniñ ady bolmagy, onuñ kemçiliklerine garamazdan, türkmeniñ ýitip gitmezligine we onuñ häzirki zaman isleglerine görä ösüp gitmegine düýpli şertdir.

Onuñ ägirt ähmiýetini biz Eýran türkmenleri düşünip, ony giñ möçberde añymyza salmak gerek. Ony ruhy daýanç hökmünde düşünmegimiz gerekdir. Eýranyñ ýagdaýyna seredeniñde, Eýran türkmenleri, Eýran kanunlary we sosýal-ykdysady aragatnaşyklary bilen ýaşaýarlar. Şu şertler esasynda hem öz kimligimizi saklamak bizlere ýaşaýşyñ goýan borjudyr.

Eýranda demokratik döwlet, milletlerden gurulan döwletden başga bir zat bolup bilmez.

Eýranda demokratyýanyñ gu-rulmagynyñ esasy, Eýran halklarynyñ ýagny türkmenleriñ, türkleriñ, kürtleriñ, buluçlaryñ, araplaryñ we başgalaryñ, onuñ kökdüýbüni bilelikde tutmakda we gurmakdadyr. Oña mundan başga bir çykalga bolup bilmez. Ýagny Eýranda demokratik döwlet, milletlerden gurulan döwletden başga bir zat bolup bilmez. Emma bir zady göz öñüne tutmak gerekdir. Bu bügün-ertiriñ işi bolman, eýsem uzak zamanyñ işidir. Onuñ düýp şertleriniñ döremegi we döredilmegi hökmandyr. Uzak zaman ezilen halkyñ ilki bilen özüne ynam döretmek, kimliginden utanmazlyk duýgyny direldip, oña guwanmak duýgyny döretmek başlangyç ädimlerdir. Eýran türkmenleriniñ ýokary okuwy gutaranlarynyñ sany azdäl we günbe-günden hem köpelýär. Olar dürli işlerde we serişdelerde işläp, jemgiýetiñ her bir meselesi we gynçylygy bilen garşylaşýarlar. Gynansakda bu inteligent köpçüligi özüne mynasyp hil syzdyryp bilmeýär we kimlik meselesi bilen meşgullanmaýar. Eýranda, türkmen adyna çykýan neşriýeleriñ sany bir eliñ barmaklarynyñ

www.iran-archive.com

Kimlik ugrunda

Ýañy ýakynlykda Eýranda jemhur başlygynyñ saýlawy geçirildi. Bu saýlawa türkmenleriñ hemmesi diýen ýaly gatnaşyp, öz seslerini Hatamyýa berdiler. Hatamy dört ýyl mundan ozal hem Eýran yslamy jemhuriýet başlygyna saýlanypdy. Şol saýlawda türkmenler agzibirlik bilen goşulypdylar we Hatamyny saýlapdylar. Eýranda soñky bäş ýyllykda umuman halk islegleri ösmäge başlady we bu islegler metbugat azatlygy we şahsy azatlyk ugurlaryna gönükdirildi. Şu tolkun özi bilen Hatamyny-da ýüze çykardy. Emma Hatamy we onuñ howandarlary bu tolkunyñ öñüne düşmeg-ä dursun, onuñ yzyna galyp barýarlar. Eýrandaky çylşyrymly ýagdaýda, tolkunyñ häsiýetlerinden onuñ mümkin gadar parahatçylygyny, baştutansyzlygyny, dagynyklygyny we halkyñ ýadawlygyny sanap bolar. Esasy garşylyk Eýranyñ „ Esasy Kanun „-ynda ýatyr. öñe gitmek isleýji güýçleriñ öñünde „welaýate fagyh“ organlary duryarlar hem-de kesgitleýji rol oýnaýarlar.

Türkmenler şu dörän ýagdaýdan peýdalanyp, özleriniñ barlygyny bildirip, duýduryp, saklap bilseler, taryhyñ geljekdäki sahypalaryndan ýitip gitmezler.

Eýranda geçip duran wakalar, Eýran türkmenlerinide uly derejede özüne gyzyklandyrýar. Olar parslara garanyñda iki belki-de köplerçe esse ezilýärler. Şol sebäpli türkmenlere, azatlyk ugruna açylan her bir gözenek-de uly ähmiýete eýedir. Olar şu dörän ýagdaýdan peýdalanyp, özleriniñ barlygyny bildirip, duýduryp, saklap bilseler taryhyñ geljekdäki sahypalaryndan ýitip gitmezler. Bu borç belli bir derejede umum halkyñ boýnunda bolsa-da esasan türkmen inteligentleriniñ boýnunda duryar. Içerde we daşarda ýaşap ýören türkmen inteligentleri, türkmenleriñ häzirki asra jebisleşip, onuñ bilen uýgunlaşyp umumy görnüşinde gönezligini ýitirmesizlige çäreler tapmaga borçludyrlar. Bu meselä konkret çemeleşemizde türkmenleriñ sosýal-ykdysady we jemgiýetçilik ýagdaýyny analyzlamak gerek bolup duryar.

www.iran-archive.com

Tebigatyñ gahary

Birleşen Milletler Guramasynyñ tebigi pajygalar ugrunda işleýän kommissionynyñ 2000-nji ýyla degekli beren açyklamasynda bir meselä aýratyn üns berlipdir. Ol ynha şundan ybarat: Ýyl geçdigiçe ýer şarynyñ atmosferiniñ temperatury ýokary galýar. Onuñ birinji sebäbi bolsa, dürli energi gazanmak üçin, ýer minerallarynyñ(gaz we nebidiñ) çendenaşa mukdarda ýakylmagydyr. Bu işde ösgün senagatly ýurtlar (ylaýta-da Amerikanyñ birleşen statlary) birinji ýerde duryarlar Atmosferiñ yssysynyñ ýokary çykmagy:

-Birinjiden buz daglarynyñ ýuwaşlyk bilen erimegine sebäp bolýar. Munuñ özi yzy kesilmez, dowamly dol ýagynlara we görüp-eşdilmedik howply syllara delil bolar.

-Ikinjiden bolsa çaksyz yssy ösümlikleriñ, otlaryñ we baglaryñ ösmegine päsgel ýetirip klimanyñ degişmegine we gurakçylyga sebäp bolar.

Bu ýagdaýyñ gara çöpi ilki bada Asyýa we Afrikanyñ garyp milletleriniñ gözüne girip, olaryñ maddy durmuşlaryny öñküden beter peselder.

Bu açyklamada berlen statistika görä syl bozukçylygynyñ sany ýylba-ýyl ýeriñ dürli künjeklerinde, ylaýta-da Asyýa we Lataýn Amerikada artýar.

Dogrudan hem üstümizdäki ýylyñ, August aýynyñ birinji ýarymynda Türkmensahrada we Japanda gelen syllaryñ güýji çençakdan aşa boldy. Şeýle bir waka türkmeniñ ýurdunda 200 ýyl bäri görlüpeşdilen zat däldir. Bu syl 200-den gowrak adamyñ janyny alyp, 2000-den köpräk öýi weýran edipdir. Ýiten adamlaryñ sany 220-den artýar. 7000-den artyk mal-gara jandarlar bu sylda heläk bolupdyrlar.

Düşen zerer-zyýanlaryñ göwrümi toplum 2500 milliard Rial çak edilýär.

Sowuldygy bolsun!

„Başa geleni, göz görer" diýlipdir. Indi welin ýene abat etmek döwrüdir. Ýaşaýyş şertlerini täzeden gurup düzeltmek üçin Türkmensahradan ýüzlerçe ýyl dowamynda göterilen baýlyklaryñ bir bölegini-de gaýtaryp berseler ýeterli bolar.

Bu pajygada wepat bolanlaryñ ýatan ýerleri ýagty bolsun! Olaryñ galanlaryna uzak ömür dileýäris!

IL-GÜN neşriýesi
GEÑEŞ neşriýesi
Türkmen Halkynyñ Milli Haklaryny Goraýan Guramasy

www.iran-archive.com

Bu sanda:

-Tebigatyñ gahary (IL GÜN we GEÑEŞ neşriýeleriniň we Türkmen Halkynyñ Milli Haklaryny Goraýan Guramasynyñ bilelikde beren beýannamasy)

-Kimlik ugrunda ---------- Ýaz

-Biziñ öýmüze Ybrahym Badahşan- „Gijeler“ goşgy ýygyndysyndan

-Beýik parfiýa taryhyna giriş ----------Begmyrat Gereý

-Kitap dünýäsinde ----------Maschinelle Verarbeitung des Turkmenischen Dr. Majid Amanzada

-we Ýene:

-Tapmaçalar

www.iran-archive.com

برای دریافت ایل گون با ما تماس بگیرید

آدرس ایل گون:

IL GÜN

Postfach 30 12 03

50782 Köln

Germany

ایل گون در اینترنت:

http://www.geocities.com /SoHo/Gallery/3677

پست الکترونیکی:

E-Mail:ilguen@geocities.com

www.iran-archive.com

شمارهٔ حساب بانکی:

Stadtsparkasse Köln

Konto No. 2083236

Bankleitzahl 37050198

برای آبونه شدن ایل گون به آدرس ما نامه بنویسید .

بهای اشتراک سالیانه ۲۰ مارک آلمان فدرال و یا معادل آن است .

مبلغ اشتراک سالانه را به حساب بانکی واریز نمائید.